

يقول المبد في الكلام از سراج الدين على بن عثمان اوشى فرغانى حنفى ، مبین المعین فی شرح الاربعین ، شرح حصن الحصین من کلام سید المرسلین در ادعیه از شمس الدین جزری بنام الحرز الیمین ملخص الحصین که در نیمه دوم جمادى الآخرة ۱۰۰۸ بیابان رسانده است . ملا علی قاری در طریقه حنفی تعصب بسیار داشته و در کتابهای خود بر همه فرق و مخصوصاً بر شافعیان ایرادهای بسیار گرفته و بهمین جهت در میان فرق دیگر مخالف بسیار داشته است .

۹۱ - محمد بن میر علی برکلی حنفی از دانشمندان تامی قرن دهم خاندان عثمانی و اصلاً ایرانی بوده و ظاهراً چون حنفی بوده از نرس کشتار صفویه بآن سرزمین رفته ، از جزئیات احوالش اطلاعی نیست جز آنکه در ۹۸۱ یا ۹۸۲ در گذشته است و وی مؤلف کتابهای بسیار بزبان تازی و پارسیست که در فنون مختلف نوشته و ازینجا پیداست که در همه علوم زمان دست داشته و مؤلفات عمده او بدینقرار است : تعلیقه بر اصلاح الوقایه فی الفروع ابن کمال یاشا ، اظهار الاسرار در نحو ، انقاذ الهالکین که در ذی الحجۃ ۹۶۷ تألیف کرده ، ایقاظ النائمین که در اواسط شوال ۹۷۲ بیابان رسانیده ، رساله فی عدم جواز اخذ الاجرة للقراءة وعدم جواز وقف النقود ، جلاء القلوب که در ذی الحجۃ ۹۷۱ بیابان رسیده ، صحاح عجمیه بفارسی ، فرائض و شرح آن ، کفایة المبتدی در صرف ، شرح حاشیه بر لب الالباب فی علم الاعراب ، شرح مختصر الکافیة از بیضاوی معروف بامتحان الاذکیاء ، شرح الوقایة برهان الشریعه .

۹۲ - عادل بن علی از ادبای قرن دهم بوده و عسادلًا تخلص میکرده و مؤلف کتابیست بنام عنوان الحکم در ترجمه و تفسیر و شرح قصیده نوبیه ابو الفتح بستی بفارسی .

۹۳ - ابو محمد با یزید بن عنایت الله بسطامی از دانشمندان متبحر قرن دهم بوده و در مشهد میزیسته و صوفی مشرب بوده است و بهمین جهت برخی رسایل بمذاق عرفا و برخی کتابهای فقهی نوشته است ، از آن جمله تحفة المرضیة للحضرة الرضویه در تسلیم که بر رساله تسلیم معروفست و در اواخر رجب ۹۷۹ بیابان رسانیده و رساله ای در قضا و قدر و نیز رساله فی اوقات الصلوة الخمس بتازی ازوست .

- ۹۴ - ملك محمد بن سلطان حسين اصفهانی از علمای ریاضی این دوره بوده و رساله‌ای در جبر و مقابله بفارسی و نیز شرح بهشتی را بزبان نازی تألیف کرده است .
- ۹۵ - قطب‌الدین عبداللّه بن محیی بن محمود انصاری خزرچی مهدی شیرازی چهارمی معروف بعبدالله قطب متوفی در ۹۱۰ از مشایخ معروف صوفیه فارس بوده و مریدان بسیار داشته و مجموعه مکانیهی ازومانده است که در پاسخ مریدان خود نوشته و مسائل تصوف را شرح داده است .
- ۹۶ - عطاءالله بن حسام واعظ هروی از واعظ‌شيعه ساکن هرات بوده و مؤلف کتابیست بنام روضة المجاهدین یا مختارنامه در شرح انتقامهایی که مختار بن ابی عبیده ثقفی از قاتلان حسین بن علی گرفته است و در ۹۸۱ در هرات تألیف کرده و این کتاب وقتی بسیار رایج بوده است .
- ۹۷ - شیخ عزالدین بن جعفر بن شمس الدین آملی که کتاب معروف نهج البلاغه را بفارسی ترجمه کرده و در جمادی الاولی ۹۷۲ پایان رسانیده است و نیز کتابی دارد بنام لعمه در نکاح و متعه .
- ۹۸ - احمد بن محمد معروف بمقدس اردبیلی از پیشوایان معروف شیعه در قرن دهم بوده و در رجب ۹۹۳ در گذشته و مؤلف کتابهای بسیار بزبان فارسیست از آن جمله: حقیقة الشیعه ، رساله فی طهارة الخمر ، رساله حجیه در اعمال حج ، مجمع الفایده والبرهان در شرح ارشادالاذهان ، زبدةالبیان فی شرح آیات احکام القرآن ، شرح الهیات تجرید ، تعلیقات بر شرح مختصر عضدی ، تعلیقات بر خراجیه شیخ علی . وی همیشه ساکن نجف بوده و شاه عباس مکرر او را بایران دعوت کرده و پذیرفته است و در زمان خود بزهت و تقدس معروف بوده است .
- ۹۹ - محمد بن داود بن محمد بن محمود شادی آبادی از ادبای ایرانی ساکن هندوستان بوده و شرحی بر مشکلات دیوان انوری بنام سلطان نصیرالدین خلجی (۹۰۶-۹۱۶) پادشاه هندوستان نوشته که معروفست و نیز شرحی بر قصاید خاقانی دارد .
- ۱۰۰ - عبدالوهاب بن محمد حسینی معنوی متخلص بغنای

مؤلف شرحی بر مشکلات دیوان خاقانی که برای پسر خود صدرالدین محمد تألیف کرده است .

۱۰۱ - یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی که مؤلف کتابیست بنام طربخانه و مجموعه ای از رباعیات عمر خیامست و در ضمن برای برخی از آنها شرحی نوشته و شرح حالی از عمر خیام در آن کتاب آورده است .

۱۰۲ - معین الدین ابو محمد محمود بن محمد دهدا رشیرازی متخلص بعیانی از دانشمندان اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده و در ۱۰۱۶ در شیراز در گذشته و مؤلفات بسیار در فنون مختلف بزبان فارسی پرداخته است از آن جمله : مفتاح الاستخراج در جفر ، زبدة الالواح در جفر ، ایجاز مفاتیح الاعجاز در شرح کلمش راز ، رساله در بیان شرف و فضیلت انسان ، رساله در خصوصیات ملکات انسانی ، رساله در ذوقیات عقلی و معقولات ذوقی ، رساله در توحید ، نفایس الارقام ، کواکب الثواقب ، اشراق النیرین ، در بیتیم ، رساله در نسبت میان افراد ، الف الانسانیة ، دقائق الحقایق ، رساله در تصوف ، کنز الرموز ، مفاتیح المعالیک .

۱۰۳ - یار علی بن عبدالله تبریزی از ادبای ایندوره بوده و مؤلف کتابیست منشیایه بنام ریاض الافکار در توصیف خزان و بهار که در ۹۲۶ بیابان رسانیده است .

۱۰۴ - نواب عضد الدوله جمال الدین حسین بن فخر الدین حسن اینجو از خانواده ای از علویان شیراز بوده که ظاهراً نسب خود را بشیخ ابواسحق اینجو پادشاه معروف فارس در قرن هشتم میرسانده است . وی نخست در خدمت امرای دکن بوده و سپس بدربار جلال الدین اکبر رفته و بفرماندهی ۹۰۰ تن مأمور شده و ۸۵۲۰۰ روپیه حقوق میگرفته است و در ۱۰۱۳ واسطه شد که عادلشاه دختر خود را بشاهزاده دانیال بدهد و پس از آن حکمران بهار شد و در ۱۰۲۷ عضد الدوله لقب گرفت و سرانجام در آگره در ۱۰۳۵ در گذشت و وی مؤلف کتابیست در لغت فارسی بنام فرهنگ جهانگیری که بنام جهانگیر نوشته است .

۱۰۵ - محمد قاسم بن حاج محمد سروری کاشانی نخست در اصفهان میزیسته

وسپس به هندوستان رفته و در ۱۰۳۶ در زمان شاه جهان در لاهور بوده و از آنجا بسفر حج رفته و در راه در گذشته است. وی نخست در ۱۰۰۸ کتابی در لغت فارسی بنام شاه عباس تألیف کرده که بنام فرهنگ سروری معروفست و سپس در ۱۰۲۸ آنرا تکمیل کرده و مجمع الفرس نام گذاشته است.

۱۰۶ - ابوالفضل منشی شیرازی از ادبای ساکن خاگ عثمانی بوده و مؤلفات بسیار دارد از آنجمله دستور السلطنه در اخلاق که بنام سلطان سلیمان آل عثمان متوفی در ۹۷۴ نوشته ، اخلاق شمسیه ، رساله در شرح کلمه توحید ، ضیاء الفلوب ، حرز الامان ، رساله در عقاید ، غرایب الانشاء ، تحفة الاحباب ، دستور الوزاره ، بدایع السحر فی صنایع الشعر ، منهج المحققین ، رساله شرفیه ، مرآت الرجال در عام فراست .

۱۰۷ - سلطان محمد بن درویش محمد مفتی بلخی از دانشمندان ماوراءالنهر بوده در ۹۴۲ ولادت یافته و در ۱۰۰۶ در گذشته مؤلف کتابیست در غرایب بنام مجمع الغرایب که با اسم عبدالله خان بن اسکندر خان شیبانی پادشاه سمرقند و بخارا و پیر محمد خان پادشاه بلخ نوشته است .

۱۰۸ - خلیل بن ابراهیم مؤلف مفتاح کنوز ارباب قلم در ریاضیات که بنام سلطان محمد بن مراد بن محمد آل عثمان نوشته است .

۱۰۹ - سلطانعلی خراسانی جنابدی طبیب از پزشکان معروف زمان خود بوده و چهل سال در خراسان و ماوراءالنهر مخصوصاً در سمرقند در دربار ابوالمنصور کوچ کانچی خان معروف بکچوم خان که پس از ۱۶ سال سلطنت در ۹۳۶ در گذشته طبابت کرده است و نیز مدتی در دربار ابوالغازی سلطان ابوسعید بهادر خان پسر منصور کوچ کانچی خان بوده که از ۹۳۶ تا ۹۳۹ پادشاهی کرده است و وی مؤلف چند کتاب بفارسی در علم پزشکیست از آنجمله دستورالعلاج که در ۹۳۳ بنام ابوالمظفر محمود شاه از پادشاهان همان خاندان نوشته و رساله علاجیه و رساله دیگر در طب که بنام مقدمه دستورالعلاج با اسم ابوالغازی سابق الذکر تألیف کرده است .

۱۱۰ - یوسف بن محمد بن یوسف طبیب هروی معروف بیوسفی از پزشکان

نامی هندوستان و معاصر با بابر و همایون بوده و کتابهای بسیار در طب بزبان فارسی نوشته و مخصوصاً فنون طبی را بنظم فارسی در آورده از جمله مؤلفات اوست: جامع الفوائد، شرح منظومه‌ای در طب بنام علاج الامراض که آن منظومه هم ازوست، قصیده در حفظ صحت که در ۹۳۷ بنام ظهیرالدین بابر بیابان رسانیده است، ریاض الادویه که در ۹۴۶ برای همایون نوشته است، دلایل النبیض، دلایل البول که در ۹۴۲ تألیف کرده، جواهر اللغه در لغات طبی که در ۹۲۴ بیابان رسانده است، منظومه فراید، منظومه بحر متقارب.

۱۱۱ - عمادالدین محمود بن مسعود شیرازی از پزشکان نامی زمان خود بود

و در کودکی زیر دست پدرش که او هم طبیب حاذقی بود پرورش یافت. مدتی طبیب امیر عبدالله خان استاجلو حاکم شروان بود و سپس بدربار شاه طهماسب رفت و سپس بیست سال در هند میزیست و مؤلف کتابهای چند در طب بزبان فارسیست از آن جمله: رساله در طریق خوردن چوب چینی و فواید آن، مرکبات الشاهیه که بنام شاه طهماسب نوشته است، رساله در خواص و طبایع و منافع چوب چینی، رساله بیخ چینی که در ۹۵۴ بیابان رسانیده، رساله در مرض معروف بآتشک، رساله در سموم، افیونیه، سته ضروریه طبیه که بنام شاه قلی خان بن حمزه سلطان استاجلو در زمان شاه عباس نوشته است.

۱۱۲ - محمد باقر بن عمادالدین محمود سابق الذکر وی نیز از اطبای نامی

قرن دهم بوده و در دربار شاه عباس میزیسته و در ۱۰۱۱ با او بچنگ عثمانی بتبریز و نخجوان و ایروان رفته و در محاصره ایروان شاه عباس کتابی در کجالی از خواسته ووی تألیف کرده و از روی کتابهایی که همراه داشته نوشته و نیز کتابی در مرهم‌ها و معاجین پرداخته و رساله‌ای در طب دارد.

۱۱۲ - مظفر بن محمد حسینی شافعی اصفهانی معروف بحکیم شافعی

از شاعران و پزشکان نامی زمان خود بوده و اصلاً از مردم کاشان بوده است ولی در اصفهان میزیسته و در آنجا بسال ۹۶۳ در گذشته و کتابهای چند در طب نوشته از آن جمله کتابی در قرآبادین.

۱۱۴ - شاه بهاءالدوله حسن بن میر قوام‌الدین قاسم بن محمد نوربخش

رازی از احفاد سید محمد نوربخش پیشوای طریقه معروف نوربخشیه و خود از مشایخ این سلسله بوده و در شهر ری میزیسته و در طب دست داشته بهمین جهت کتابی درین فن بنام خلاصهالتجارب نوشته که در ۹۰۸ بیابان رسانیده و نیز کتابی بنام هدیه الخیر دارد.

۱۱۵ - منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن فقیه الیاس شیرازی نیز از پزشکان نامی این فرست و مؤلف کتابهای چندست در پزشکی از آن جمله شرح منصوری و کفایه مجاهدیه یا کفایه منصوری .

۱۱۶ - محمود بن الیاس شیرازی نیز از پزشکان این دوره و ظاهراً از همان خانواده بوده و رساله در طب و غیائیه و تحفة الحکما را نوشته است .

۱۱۷ - محمد بن علی نو انداکی از ادبای ماوراءالنهر بوده و شرحی بر رساله معمای امیر حسین نیشابوری بنام ابوالغازی عبدالعزیز بهادرخان پادشاه سلسله شیبانی در بخارا (۹۴۷ - ۹۵۷) نوشته است .

۱۱۸ - کمال‌الدین محمود بن علی بن عماد‌الدین غجدوانی از متصوفه ماوراءالنهر و از مریدان کمال‌الدین حسین بن شهاب‌الدین حسین بن برهان‌الدین قلیچ انجدانی متولد در خوارزم عارف مشهور قرن نهم بوده است که ذکرش گذشت . در ذی‌القعدة ۹۲۳ در صدد بر آمده است کتابی در مقامات مرشد خود تألیف بکند ، در ۹۳۹ بتألیف آن آغاز کرده و در دهم رجب ۹۵۰ آنرا بنام مفتاح الطالبین در فیه قصر مسافر از توابع قصبه غجدوان در خاک بخارا بیابان رسانیده و در ۹۷۳ خلاصه‌ای از آن بنام جادة العاشقین ترتیب داده است .

۱۱۹ - سید احمد بن سید جلال‌الدین بن سید جمال‌الدین بن سید برهان‌الدین خواجهم بن میر دیوانه بن سید برهان‌الدین قلیچ بن سید کمال‌الدین بن سید جلال‌الدین بن شاه حسین بن شاه حسن بن سید محمد بن سید احمد بن عبدالله بن عبدالله الافضل بن عبدالله بن طائب بن امام علی بن موسی الرضا معروف بخواجگی احمد و منخدوم اعظام در کاشان فرغانه ولادت یافته و از بزرگان مشایخ نقشبندی ماوراءالنهر در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و عبیدالله خان شیبانی (۹۴۰ - ۹۴۶) بوی ارادت می ورزیده و در عصر خویش شهرت بسیار داشته و در وقت

چاشت روز شنبه بیست و یکم محرم ۹۴۹ در گذشته است. کتابهای چند در مقامات وی نوشته اند یکی بنام مقامات حضرت مخدوم اعظم که مؤلف آن معلوم نیست و دیگری بنام انیس الطالبین از قاسم بن محمد صفایی کاتب و دیگری بنام جامع المقامات که توه اش ابوالبقا بن خواجه بهاءالدین بن مخدوم اعظم نوشته و در محرم ۱۰۲۶ یا ۱۰۲۸ بتألیف آن آغاز کرده و این کتاب را پس از وفات مولانا دوست و حافظ ابراهیم و ملا قاسم کاتب سابق الذکر نوشته است. سید احمد کاشانی در تصوف رسایل بسیار بزبان فارسی نوشته است از آن جمله: اسرار النکاح، رساله سماعیه، رساله وجود، آداب السالکین، رساله النصیحه، رساله در شرح الفقر سواد الوجه فی الدارین، رساله در شرح اذقال ربك للملائكة انی جاعل فی الارض خلیفه، شرح الولد سراپیه، نفعات السالکین، رساله الذکر با رساله بیان ذکر، رساله در شرح کلم مولود یولدت علی القطره، رساله بیان سلسله خواجگان، بیان چهار کلمه، سلسله الصدیقین، رساله در شرح الدنیا مزرعة الاخره، رساله در شرح کنت کمنزاً متخفياً فاحببت ان اعرف، معراج العاشقین، رساله در تعریف کلمه صوفی، واقعة الحقایق، زبده السالکین، گل و نوروز، آداب الصدیقین، گنج نامه، رساله در شرح یا آدم اسکن و زوجک فی الجنة، رساله بابا آدم، رساله در تعریف عشق، رساله در شرح رباعی «احول نیم ای دوست یکی دو بینم»، رساله بکائیه، مرآة الصفا، رساله در بیان احوال علما و امرا، مرشد السالکین، تنبیه العلماء.

۱۲۰ - قاسم بن محمد صفایی کاتب از صوفیان ساوراء النهر و از مریدان احمد بن سید جلال الدین سابق الذکر بوده و چنانکه گذشت کتابی در مناقب وی بنام انیس الطالبین نوشته است.

۱۲۱ - مقصود علی هروی از ادبای ایرانی ساکن هندوستان بوده و در سال ۱۰۱۱ کتاب نزهة الارواح و روضة الافراح فی تواریخ الحکماء المتقدمین و المتأخرین معروف بتاریخ الحکما تألیف شمس الدین محمد بن محمود شهر زوری را تحت اللفظ ترجمه کرده است.

۱۲۲ - حمین بن علی المشتهر بالشکافی کتاب بدایع الافکار فی صنایع الاشعار

را برای شجاع‌الدین امیر حسین یکی از امرای قرن دهم تألیف کرده و در ۶ محرم ۹۱۲
بیابان رسانده است .

۱۲۳ - نورالدین علی بن حسام‌الدین بن قاضی عبدالملک بن قاضی خان

قرشی معروف بشیخ متقی متولد در ۸۸۵ در برهانپور و متوفی در شب سه شنبه وقت سحر
دوم جمادی‌الاولی ۹۷۵ از مشایخ صوفیه هندوستان بود و رسائل بسیار بفارسی و عربی در
تصوف نوشته است از آن جمله : التوکل علی الرزاق المختار فی ترک التدبیر والاختیار ،
الجواهر الثمینة ، خلاصة الاوراد للمريد والمراد ، التوسل فی الیقین والتوکل ، پانزده
مکتوب شیخ عبدالقادر جیلانی ، النصح الوافی للقلب الشافی ، العبارة الفصیحة فی الوعظ
والنصیحة ، المقصد الاسنی فی شرح اسماء الله الحسنی ، البرهان الجلی فی معرفة الولی ،
سلوک الرجال ، الباقیات الصالحات فیما یغنی عن البنین و یغنی عن البنات ، تنبیه الاحبه
فی علامات المحبه ، الرتبة الفاخره فی سلطنة الدنيا والاخره ، اجر الثقیل فی سلوک المعیل ،
سلوک الغزاة ، تدارک النعم والمطایا فی الصبر والشکر علی الفقر والبلیا ، کفایة اهل الیقین
فی طریق المتوکلین ، معرفة اهل دنیا ، البرهان الاقوی فی شرف التقوی ، تبیین الرافه
فیما لله من ضیافه ، نعم المعیار والمقیاس بمعرفة مراتب الناس ، رساله علامات مهدی
موجود ، الکبریة الاحمر فی الکیمیاة الاکبر لمن ایقن بالقضاء والقدر ، العنوان فی
سلوک النساء ، هداية ربي عند فقد المرید ، سلوک الطریق انا فقد الرفیق ، النصیحة التامه
للخاصة والعامه ، التحذیر عن الوقوع فی الهلکة والبلیه لمن شرع فی علم الحقایق بلاهلیه ،
غایة الکمال فی بیان افضل الاعمال ، رساله در ارشاد زنان و دست بیعت ایشان ، عجاله الناسک
فی انتخاب المناسک ، رساله تحریم حشیشه ، التجربة الوافی للحبر الصافی .

۱۲۴ - محمد حسین بن احمد شاهی ساکن مشهد ظاهراً از دانشمندان قرن

دهم بوده و کتاب حیوة الحیوان دمیری را بفارسی ترجمه کرده است .

۱۲۵ - محمد صالح بن بدرالدین بن محمد جزوانی ساکن هرات مؤلف

شرح وقایه یا شرح مختصر وقایه بر کتاب وقایة الروایه فی مسائل الهدایه تألیف امام
برهان الشریعه محمود بن صدر الشریعه اول عبیدالله محبوبی حنفی که برای نوه دختری

خود صدر الشریعہ ثانی نوشته است و این شرح معروف بشرح ملا صالح است که در هرات در ۹۳۷ تمام کرده است .

۱۲۶ - عبدالکریم منجم بلخی مؤلف تسهیل التقاویم که در حدود ۹۹۱ بنام امامقلی خان والی بخارا نوشته است .

۱۲۷ - زین العابدین بن علی بن عبدالمؤمن عبدی مؤلف کتاب صریح الملک در شرح املاک و رقبات و عمارات و ابنیة بقعة شیخ صفی الدین اردبیلی که بفرمان شاه طهماسب در ۹۷۵ بیابان رسانیده است .

۱۲۸ - محمد عارف نقایی از شاعران بدخشان در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در ۹۹۶ بتألیف کتابی در تذکره شاعران فارسی زبان تا زمان خود در اندکان آغاز کرده و سپس که به هندوستان رفته آنرا بنام مجمع الفضل در زمان جلال الدین محمد اکبر بیابان رسانیده است .

۱۲۹ - نقیب الاشراف خواجه بهاء الدین سید حسن بخاری متخلص بنشاری از شاعران ماوراءالنهر بوده و در ۹۸۳ کتابی در تذکره شعرای فارسی زبان تا عصر خود بنام مذکر احیاب تألیف کرده است و محمد بدیع بن محمد شریف سمرقندی متخلص بملیح در ۱۰۹۳ ذیلی بر آن نوشته است بنام مذکر الاصحاب .

۱۳۰ - ملک محمد بن سلطان حسین مؤلف شرح رساله فارسی مولانا علی قوشچی در حساب شامل جبر و مقابله و حساب .

۱۳۱ - شاه جلال الدین شیرازی از عرفای قرن دهم بوده در زمان سلطان سکندر که به حج رفته بود به هندوستان رفته و در آنجا مشنوی مولانا جلال الدین را درس می گفته و در ۹۴۴ در گذشته و شرحی بر گلشن راز نوشته است .

۱۳۲ - عبداللطیف شروانی معروف بافلاطون مؤلف رساله ایست بنام حل مالاینحل در شرح قصیده معروف ابوالمفاخر رازی شاعر قرن ششم در مناقب امام هشتم که مولف بخطاً آنرا از امام فخرالدین رازی دانسته است .

۱۳۳ - محمد صالح بن امیر عبداللہ بن امیر عبدالرحمن بن شیخ خلیل اللہ

افزودنی بدخشی از ادبای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده و رساله‌ای در احوال اکابر بلخ بنام عبدالؤمن خان ازبک پادشاه سلسله شیبانی ماوراءالنهر (۱۰۰۶ - ۱۰۰۷) نوشته است.

۱۳۴ - حسن بن روزبهان شیرازی مؤلف کتابیست در اخلاق بنام اخلاق شمسیه که آنرا در اصفهان برای یک تن از وزرا نوشته و چون پس از اخلاق محسنی ملاحسین کاشفی تألیف کرده پیداست که در قرن دهم بوده است و درین کتاب می‌گوید که در سال ۹۲۴ رساله فرست امام فخر رازی را ترجمه کرده و مطالبی بر آن افزوده و آنرا مرآة الانسان نام داده است.

۱۳۵ - حسین وفایی از لغت نویسان هندوستان درین دوره است و کتابی در لغت فارسی در ۹۳۳ تألیف کرده که بنام فرهنگ حسین وفایی معروفست.

۱۳۶ - حافظ اوبه‌دی دیگری از لغت نویسان هند درین دوره است و در سال ۹۳۷ کتاب تحفة الاحباب را در لغت فارسی بیابان رسانیده است.

۱۳۷ - قطب العالم عبدالقدوس بن اسمعیل بن صفی الدین حنفی گنکوهری

از متصوفه هندو از مریدان و خلفای شیخ محمد بن عارف بن احمد عبدالحق رودلوی بوده است. نخست در رودلوی می‌زیسته و در ۸۹۶ در زمان سلطان سکندر لودی بشاه آباد نزدیک دهلی رفته است. در ۹۳۲ هنگامی که بابر سلطان ابراهیم پسر سکندر لودی را در شاه آباد شکست داده وی بگنکوهر رفته و در ۹۴۴ یا ۹۴۵ در گذشته است. وی را در تصوف بزبان فارسی مؤلفات چندست از آن جمله: نورالهدی، قرۃ العیون، رشد نامه یا رساله رشدییه، مجموعه مکاتبات معروف بمکتوبات عبدالقدوس یا مکتوبات قدوسییه، لطائف قدوسییه، انوار العیون فی اسرار المکنون در مقامات احمد عبدالحق رودلوی.

۱۳۸ - حامد بن فضل الله جمالی کنبو دهلوی معروف بدرویش جمالی یا

شیخ جمالی و یا ملاحمالی از مشاهیر عرفای هند در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و از پیروان طریقه چشتی بود؛ نام وی را برخی فضل الله دانسته و برخی فضل الله را نام پدر



وی دانسته اند. نویسنده و شاعر زبر دستی بوده، نخست جلالی تخلص می کرد و در ۹۰۱ مرشدش سماء الدین بوی تخلص جمالی داده است. سفرهای دراز بدیار مغرب و یمن و فلسطین و روم و سوریه و عراق و آذربایجان و گیلان و مازندران و خراسان کرده و از آنجا بدلهلی بازگشته و در هرات با عبدالرحمن جامی دیدار کرده و شرح این سفرها را در سفرنامه خود آورده است. نخست در نزد سلطان سکندر لودی مقرب بوده و سپس بابر و همایون نیز وی را بزرگ می داشته اند و سرانجام در ۱۰ ذی قعدة ۹۴۲ در دهلی درگذشته و قبرش در جنوب شرقی قطب منار در دهلی هم اکنون زیارتگاه است. وی از شاعران معروف زمان خود بوده و دیوان قصاید و غزلیاتش شامل نه هزار بیت در دست است. بجز آن يك مثنوی دارد بنام بیان حقایق احوال سید المرسلین شامل دو قسمت: قسمت اول بنام مصباح الارواح و قسمت دوم بنام شرح الواصلین که در ۸۶۸ مشغول نظم آن بوده است، منظومه دیگری دارد بوزن مثنوی مولانا جلال الدین بنام مرآت المعانی و مثنوی دیگری بنام مهر و ماه، دیگر از آثار وی کتاب سیر العارفين در احوال مشایخ چشتیست که در سلطنت همایون پایان رسانده و احوال چهارده تن از مشایخ طریقه خود را از معین الدین سکزی تاسمائه الدین مرشد خود در آن گرد آورده است.

۱۳۹ - حسین بن شیخ صابر سندی از عرفای هند درین دوره بوده است و در ۱۰۱۱ ترجمه ملخصی از کتاب قلائد الجواهر فی مناقب الشیخ عبدالقادر تالیف محمد بن یحیی بن یوسف ربعی تادفی حلبی حنبلی متولد در ۸۹۹ و متوفی در شعبان ۹۶۳ در حلب را بهمان نام قلائد الجواهر کرده است که از کتابهای رایج در مقامات عبدالقادر گیلانیست.

۱۴۰ - ابوالحسن محمد باقر بن محمد علی مؤلف کتابیست در مناقب مشایخ تشبندی از بهاء الدین نقشبند تا عبیدالله احرار که در ۹۴۷ تألیف کرده است.

۱۴۱ - شمس الدین ابوالفتح محمد بن اسحق ولی الله بن شمس الدین محمد قادری ملتانی از صوفیه قادری همین دوره در هند بوده و کتابی بنام مخازن تقادریه در مناقب عبدالقادر گیلانی نوشته است.

- ۱۴۲ - حسین حافظ قزوینی کربلائی در سال ۹۷۵ در شهر دمشق کتاب مفصل و بسیار سودمندی در مزارات تبریز بنام *روضات الجنان و جنات الجنان* تألیف کرده که شامل شرح احوال بزرگان است که در تبریز مدفون بوده‌اند و کسانی که با ایشان مناسبات داشته‌اند و خود از متصوفه طریقه عبداللہیہ علویہ علاء دولویہ کبرویہ و مرید سید احمد حسینی حسینی موسوی باب الابوابی (در بندی) معروف بوده است .
- ۱۴۳ - نورالدین محمد بن حسین بن عبداللہ بن پیر حسین بن شمس الدین قزوینی - مؤلف سلسله نامه خواجهکان نقشبند که در ۹۷۸ تألیف کرده است .
- ۱۴۴ - بابا داود خاکی کشمیری سهروردی از شاعران و نویسندگان متصوف این دوره در هند از مریدان شیخ حمزہ کشمیری در ملتان بوده و در ۹۹۴ در گذشته و برخی آثار بنظم و نثر فارسی از او مانده است از آن جمله منظومہ ورد المریدین در مناقب مرشد خود ، دستور السالکین که شرحیست بر آن منظومہ ، قضیة جلالیہ ، رسالۃ الغسلیہ .
- ۱۴۵ - خواجه اسحاق قاری وی نیز از مریدان شیخ حمزہ کشمیری سابق الذکر بوده و کتابی در مناقب وی بنام *حلیۃ العارفین* در ۹۸۰ نوشته است .
- ۱۴۶ - من اللہ بن علی اللہ محمد حسینی مؤلف *خوارقات یا تبصیرات الخوارقات* و یا *تبصیرات الخوارق کیسو* دراز حسینی کتابی در کرامات سید محمد کیسو دراز عارف مشهور هند متوفی در ۸۲۵ و بازماندگان و خلفای وی که در ۹۸۱ پایان رسانده است .
- ۱۴۷ - حسین بن میر حسین حسینی سرخسی مؤلف کتاب *سعدیہ* در مناقب خواجه محمد اسلام جوینی از مشایخ طریقه جوینی ماوراء النہر که معاصر با عبید اللہ خان (۹۴۰ - ۹۴۶) و عبید اللہ خان (۹۴۶ - ۹۴۷) پادشاهان شیبانی بوده و خواجه سعد از مشایخ همان طریقه و این کتاب را در ۹۸۴ نوشته است .
- ۱۴۸ - سید مرشد درویش یسوی از صوفیان طریقه احمد یسوی عارف مشهور ترک متوفی در ۵۶۲ بوده و در ماوراء النہر و سوریه و مصر و مدینہ و ایران و آسیای

صغیر سفرهای بسیار کرده و بنظم و نثر فارسی آثاری در تصوف پرداخته است از آن جمله کتاب تسلی القلوب در شرح سه بیت اول مثنوی مولانا جلال الدین که بنام مبارزالدین شروان گرای پسر ابوالمظفر محمد گرای خان بن دولت گرای خان پادشاه قریم (کریمه) (۹۸۵ - ۹۹۲) نوشته است و دیگر از آثار اوست مثنوی حجة الابرار که در ۹۹۶ در استانبول در مقامات مشایخ طریقهٔ یسوی بنام سلطان مراد بن سلیم آل عثمان (۹۸۲ - ۱۰۰۳) پایان رسانیده است.



گذشته ازین کتابهایی که مؤلفان آنها معروفند در قرن دهم چند کتاب دیگر بزبان فارسی نوشته شده است که مؤلفان آنها معروف نیستند، از آن جمله: شرح فارسی مختصر وقایه که بر وقایة الروایه فی مسائل الهدایه از کتابهای معروف حنفیان نوشته‌اند و آن تألیف امام برهان الشریعه محمود بن صدر الشریعه اول عبیدالله محبوبی حنفیست که برای نوادهٔ دختری خود صدر الشریعه ثانی تألیف کرده است. این شرح فارسی مختصر وقایه بنام عبیدالله خان شیبانی پادشاه ازبک (۹۴۰ - ۹۴۶) نوشته شده است و آنرا بخط دره‌اند بنام عبدالرحمن جامی دانشمند معروف قرن نهم چاپ کرده‌اند. دیگر کتاب بیان احوال حضرت مولانا محمد قاضی در مقامات محمد بن برهان الدین سمرقندی معروف بمولانا محمد قاضی. دیگر رساله در احوال حضرت کمال الدین خوارزمی در مقامات کمال الدین حسین خوارزمی سابق الذکر متوفی در ۹۵۸ که از پیروان طریقهٔ امیر سید علی همدانی بوده و این رساله را در ۹۷۲ تألیف کرده‌اند. دیگر کتابی بنام روضة الاولیا شامل احوال انبیا و خلفای راشدین و مشایخ صوفیه که در اواخر قرن دهم در حدود ۹۷۹ نوشته شده است.

از روزهای اول قرن دهم یعنی از سال ۹۰۷ پادشاهان صفوی در ایران بحکمرانی آغاز کرده‌اند و تقریباً تا سیصدسال پس از آن واقعه یگانه پادشاهان ایران بوده‌اند. صفویه میکوشیدند فرق مذهبی را که قرنهای پیش ازیشان در ایران بوده است از میان

ببرند و پیداست مردمی که چند قرن بعقایدی خو گرفته‌اند و آن عقاید ناچار در ادبیاتشان راه باز کرده‌است پس از آنکه خواهی نخواهی تغییر عقیده بدهند ادبیاتشان بیش از همه چیز متأثر میشود و این یکی از دلایل تنزل ادبیات ایران درین چهارصد و پنجاه سال اخیرست و میتوان گفت زندگی ایرانیان در مدت هفتصد سال سنن و نوامیس خاصی در ادبیات ایران آورده بود که ایرانیان بدان خو گرفته بودند و مخصوصاً شعر فارسی در میان همین سنن پدید آمده بود و این تغییر ناگهانی سبب شد که دنباله فکر سرایندگان ایران گسیخته گشت و آنچه را که از پدرانشان بدیشان رسیده بود از دست دادند. تصوف اندک اندک از قرن پنجم بیحد شروع کرده بود شعر ایران را بکلی بخود منحصر کند، چنانکه بسیاری از شاعران هم بودند که خود نمیدانستند صوفی‌اند ولی عیناً بیان صوفیان داشتند و افکار صوفیان را ادامیکردند. صفویه با آنکه خود صوفی‌زاده بودند و بیاری مریدان اجداد خود صفی‌الدین اردبیلی و صدرالدین موسی و سلطان خواجه علی و سلطان ابراهیم شیخشاه و سلطان جنید و سلطان حیدر که شافعی بوده‌اند پیادشاهی رسیده‌اند معلوم نیست چرا طریقه نیاکان خود را رها کرده و شیعه متشرع شده‌اند و حتی در آغاز کار که اختلاف در میان حیدریان یعنی پیروان طریقه قطب‌الدین حیدر زاوی متوفی در ۶۱۸ و نعمتیان یعنی مریدان نورالدین نعمه‌الله ولی متوفی در ۸۳۴ در گرفته ازین دو فرقه تصوف نعمتیان را ترجیح داده و از آنها پشتیبانی کرده‌اند و بعدها با این خانواده هم وصلت کرده‌اند. ناچار آن اصولی که در شعر ایران پیش از صفویه سنت شده بود از میان رفت و پادشاهان صفوی که بیشتر سرگرم سیاست مذهبی و اقتصادی و نظامی بودند با ادبیات توجه و عنایتی نداشتند و اگر در قرن دهم شاعرانی بوده‌اند همه از پادشاهان و امیران و اعیان هندوستان بهره مند شده‌اند. تنها در آغاز قرن دهم هنوز چند شاعر بزرگ و آنهم بیشتر در خراسان بوده‌اند که دست پرورده زمان تیموریان بودند و از پرورشی که ازیشان و مخصوصاً از دربار سلطان حسین بایقرا در هرات برده بودند هنوز دست از سخن سرایی بر نداشته و دنباله کار خویش را رها نکرده بودند. بهمین جهتست که شعر فارسی در قرن دهم نسبت بقرنهای گذشته و حتی

قرن نهم راه تنزل پیموده است و بهمین جهت هر چه بیایان قرن دهم نزدیک میشود بازهم از شماره شاعران بزرگتر کاسته میشود. شاعران نامی قرن دهم بدینگونه اند:

۱ - مولانا نورالدین هلالی جغتایی از بزرگان شعرای اواخر قرن نهم و

اوایل قرن دهم بود. پدراش از ترکان جغتای بوده‌اند و وی در استرآباد بجهان آمده و در جوانی بهرات رفته و در سلک شعرای دستگاه سلطان حسین بایقرا و علیشیرنوایی درآمده و همچنان در هرات مانده و پس از برچیده شدن دستگاه سلطان بایقرا هم در هرات بوده است تا اینکه در سال ۹۳۷ که عبیدالله خان ازبک شهر هرات را محاصره کرده بود وی اشعاری توهین آمیز درباره اش سروده بود اما چون در ۹۳۹ عبیدالله خان آن شهر را گرفت وی پشیمان شد و قصیده‌ای در مدح عبیدالله خان سرود و تزد او رفت که بر وی بخواند و چون عبیدالله خان مرد بد کینه‌ای بود او را عفو نکرد و در همان مجلس دستور داد او را یاره پاره کنند و ازبکان در مجلس وی را شکنجه بسیار دادند و سپس بیرون کشیدند و با سرو صورت خون آلود بچهارسوق هرات بردند و بدینگونه کشتند و با آنکه در میان شیعه معروف بوده که او سنیست عبیدالله خان بتهمت شیعه بودن وی را کشته است. هلالی در غزل عاشقانه شورانگیز بسیار توانا بوده و یکی از بهترین غزل سرایان زبان فارسی بشمار میرود و ۲۸۰۰ بیت غزل دارد و سه هفتوی سروده است یکی لیلی و مجنون و دیگر صفات العاشقین شامل ۱۲۰۰ بیت و دیگر شاه و درویش‌باشاه و گدا شامل ۱۳۰۰ بیت که آنها نیز از شاهکارهای شاعران این دوره است.

۲ - امیر ابو عبدالله محمد هاشم شاه کرمانی پسر میر محمد مؤمن عرشی

معروف بشاه جهان و شاه جهانگیر و متخلص بهاشمی از عرفای بسیار مشهور اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده است. در ۸۷۳ ولادت یافته و از جانب پدر نسبت بچهارپشت بشاه قاسم انوار عارف مشهور قرن نهم و از طرف مادر نیز نسبت بشاه نعمه الله ولی میرسیده است. پس از آنکه مدنهادر کرمان ساکن بوده و از مشایخ معروف آن شهر بشمار میرفته سفری به هندوستان کرده و مدتی در دهلی بترویج طریقه خود مشغول بوده است و از ۹۳۵ چندی هم در سرزمین سندوبهکر مانده و میرزا شاه حسن نواده امیر ذوالنون ارغون که

از بزرگان آن دیار بود بوی احترام بسیار کرد اما سرانجام که خواست در سال ۹۳۸ بکرمان باز گردد چون بسرزمین کیج و مکران رسید در ۹۴۶ راهزنان وی را کشتند و آنچه داشت غارت کردند. شاه جهانگیر هاشمی از معاریف شعرای متصوف زمان خود بوده و قصاید و غزلیات بسیار در زمینه تصوف سروده است و نیز مثنوی مظهر الآثار را بتقلید مخزن الاسرار نظامی در ۱۴۰۰ بیت سروده که از بهترین آثار عرفای قرن دهمست و در شهر تته از ۹۳۸ تا ۹۴۰ مشغول نظم آن بوده است.

۳ - میرزا محمد قاسم گونا بادی متخلص بقاسمی پسر میرسید از سادات گناباد و از مشاهیر شعرای قرن دهم بود. نخست در جوانی شاگرد هانفی شاعر معروف بوده، سپس در آغاز قرن دهم از مالازمان شاه اسمعیل شد و مدتی از شاعران دربار او بشمار میرفته است و سرانجام از دربار شاه طهماسب نزد سلطان محمود خان والی دیار بکر رفته و ظاهراً در آنجا مانده و همانجا روزگارش سپری شده است و چنان مینماید منظومه‌ای که در شرح فتوحات شاه طهماسب ببحر متقارب سروده مورد توجه آن پادشاه واقع نشده و بدین جهت با اعتراض از دربار وی رفته است. قاسمی همه توجه خود را صرف سرودن مثنویاتی کرده و آنچه از وی مانده نخست لیلی و مجنون و پس از آن منظومه ایست ببحر متقارب بنام شاهرخ نامه و منظومه دیگری بهمان وزن در شرح فتوحات شاه اسمعیل که بشاهنامه قاسمی و شاهنامه شاه اسمعیل معروفست و در ۹۴۰ در حدود ۴۰۰ بیت پایان رسانیده و منظومه دیگری در شرح فتوحات شاه طهماسب که در حدود ۹۶۷ پایان رسیده و منظومه دیگری باز بهمان وزن که در شرح فتوحات سلطان محمود والی دیار بکر از طوایف گردان مکر کومی حکار سروده است.

۴ - جنونی بدخشی معمایبی از معاریف شعرای دربار همایون پادشاه هندوستان بوده و بیشتر بسرودن قصاید مصنوع توجه داشته است چنانکه قصیده معروفی درسی و هشت بیت بمدح آن پادشاه سروده و صنایعی در آن بکار برده که ذوالفقار شروانی و سلمان ساوجی در قصاید معروف خود از آن غفلت کرده اند و حتی معما و اظهار مضمیر و تاریخ در آن بکار برده است و این قصیده را در فتح بدخشان در سال ۹۲۷ برای همایون پادشاه

سروده و ازین جا پیدا است که از آن زمان وارد دستگاہ وی شده است .

۵ - **شیخ زین الدین خوافی متخلص بوفایی** نیز از شاعران معروف دربار هندوستان بوده و نخست با ظہیر الدین بابر بدانجا رفته و در دربار وی مقام صدارت داشته است و دراکرہ شهر معروف ہند مسجدی ساخته و در آن سوی آب جون ہم مدرسہای بنا کرده و در شعر مخصوصاً بدیہہ سرایی و معما بسیار زبردست بوده و عنشی قابلی بشمار میرفته و در ضمن تاریخی در شرح فتوحات بابر در ہند نوشتہ و تا زمان ہمایون ہم زندہ بودہ و سرانجام در ناحیہ چنہار در سال ۹۴۰ در گذشتہ و در مدرسہای کہ دراکرہ ساخته بود وی را بخاک سپردہ اند .

۶ - **مولانا دردی سمرقندی** نیز از شاعران نامی دربار ہمایون بودہ و در قصیدہ و غزل دست داشته و معمارا ہم نیکو میسرودہ است و سرانجام در سال ۹۶۶ در گذشتہ است .

۷ - **شیخ ابوالواجد فارغی شیرازی** نیز از شاعران آیندورہ است کہ در جوانی از فارس بہ ہندوستان رفته و از شاعران دربار ہمایون شدہ است و در ضمن مرد بسیار گوشہ گیر و صوفی مشربی بودہ و از شیرین زبانان عصر خود بشمار میرفتہ و با شیخ زین الدین خوافی متخلص بوفایی سابق الذکر با ہم بہ ہندوستان رفته و در آغاز کار ہردو تنگدست بودہ اند و وی نیز در ہمان سال ۹۴۰ در گذشتہ و در ہمان خانقاہی کہ در مسجد شیخ زین الدین دراکرہ بودہ است اورا نیز بخاک سپردہ اند .

۸ - **جاہنی بخارایی** با لقب تیمان معروف بودہ زیرا کہ پدرش از اعیان شہر بخارا بودہ و در آنجا منصب مهمی داشتہ است کہ مردم بخارا تیمان میگویند و نخست در کابل جزو ملازمان بابر شدہ و با وی بہ ہند رفته و از شاعران معروف دربار او شدہ اما شاعری بسیار ہجو و بد زبان بودہ از آن جملہ وقتی ترکیب بندی در ہجو شاہ محمدخان شاپور از اعیان دربار بابر سرودہ بود کہ چون برای بابر خواند صلہ خوبی باو داد و سرانجام در ۹۵۶ غلامی کہ داشت زہری در خوراکش ریخت و اورا کشت .

۹ - **حیدر تونوی** نیز از شاعران این دورہ و در دربار ہمایون بودہ ، گذشتہ از شاعری در موسیقی بسیار زبردست بودہ و آواز را خوب میخواندہ و مدتہای مدید در

هندوستان زیسته است و مخصوصاً پرده نازهای در پنجگانه ساخته بود که در آن زمان معروف بوده و تا آخر قرن دهم در دربار هندوستان میزیسته است .

۱۰ - **خواجه ایوب بن خواجه ابوالبرکات** از بزرگان زادگان ماوراءالنهر

بوده و با این همه خود و پدرش بی بی قیدی معروف بوده اند و وی مدتی در کابل بوده و سپس به هندوستان رفته و همایون در باره او توجه بسیار داشت و از بس مایل بصحبت او بوده یکی از زنان حرم خود را بعقد او در آورده بود ولی با این همه وی دست از بی قیدی برنداشت و همچنان میزیست تا اینکه روزی در مجلس پادشاه بی ادبی کرد و چون همایون در خشم شد از او اجازه حج گرفت و دیگر نتوانست بدر همایون باز گردد و مدتی در احمدآباد و چندی در دکن بود و در آنجا نظامشاه باو مهربانی بسیار کرد ولی با او نیز نساخت و روزگار را بهمین پریشانی بیایان رساند - خواجه ایوب با این همه شاعر توانایی بوده و غزل را نیکو میسروده و گاهی ایوب و گاهی هم عراقی تخلص میکرده است .

۱۱ - **مولانا سجایی استرآبادی نجفی** از مشاهیر شعرای قرن دهم ایران

بوده ، پدرانش از مردم استرآباد بوده اند . وی در شوشتر ولادت یافت و در جوانی بنجف رفته است و بهمین جهت با استرآبادی و نجفی هر دو معروفست و گاهی نامش را شیخ سجایی هم ضبط کرده اند . وی مردی متشرع و منقی بوده و چهل سال در نجف زیسته است و از فقیهان زمان خود بشمار میرفته و اوقات را در مجاورت مرقد امام بیحس و درس می گذرانده و در ضمن از سخنانش بر می آید که مردی صوفی مشرب بوده است و پیداست که در قرآن بسیار دست داشته زیرا که در اغلب از رباعیات خود اشاراتی بمطالب قرآن دارد و سرانجام در ۱۰۱۰ در نجف در گذشته است . وی شاعر توانایی بوده ، دیوان غزلیاتش شامل ۲۸۰۰ بیت در دستست ولی رباعیاتش بیشتر معروفست و مجموعه رباعیات او شامل بیست هزار رباعیست و درباره او نوشته اند که وقتی بکنار آبی رسیده و پای او در آب فرورفته است و با خود گفته این بواسطه تعلقست و چون مرا بهیچ چیز بجز شعر تعلق نیست باید آنرا هم بشویم و همانجا نسخه دیوان خود را در آب انداخته و آنچه اینک از او مانده است

پس از آن تاریخ سروده است . در میان رباعیات او اشعار بسیار معروفی هست که برخی از آنها را با امام عمر خیام هم نسبت داده اند .

۱۲ - ملازمانی یزدی از شاعران ساکن اصفهان بوده و در زمان شاه عباس صفوی میزیسته و از آنچه در باره او نوشته اند پیداست که بشاعری خود بسیار مغرور بوده چنانکه عقیده داشته که روح نظامی درو حلول کرده است و بقاعده تناسخ خود را نظامی می دانسته و نیز گفته اند که وقتی سراسر غزلیات حافظ را استقبال کرده و در مقابل هر غزل او غزلی سروده بود و نسخه ای از آن نزد شاه عباس فرستاد و نامه ای نوشت که در عصر شما کار من بجایی رسید که جواب حافظ را داده ام و معروفست که شاه عباس در بالای آن نسخه بخط خود نوشت « مولانا درین معامله جواب خدا را چه خواهی داد ؟ » . تاریخ رحلت او را هم ۱۰۱۷ و هم ۱۰۲۱ ضبط کرده اند و اینکه از اشعار او آنچه مانده برخی غزلیاتست و برخی اشعار بوزن لیلی و مجنون ازومانده و پیداست که لیلی و مجنون نظامی را تقلید کرده و غزل را نسبت به نمی گفته است .

۱۳ - مولانا وجه الدین نسف آقاشانی تگلو از شاعران معروف دربار شاه عباس صفوی بوده و در اصفهان به خدمت او رسیده و از آن بعد در بیشتر سفرها با وی همراه بود چنانکه در سال ۱۰۰۰ در قزوین در مجلسی که سفیران روم و ازبک در دربار حاضر بودند شاه عباس برای اینکه تعصب خود را در دین شیعه بآنها نشان دهد دستور داد در حضور ایشان قصیده ای را که در مناقب علی بن ابی طالب سروده بود بخواند و چون پایان رسید دستور داد ترازو آوردند و او را در یک کفه ترازو گذاشتند و در کفه دیگر آن قدر زر رایج ریختند تا با او برابر شد و این زر را با او بخشید . در پایان زندگی از دربار رفته و در مشهد گوشه نشین شده و از دربار سالی بیست تومان وظیفه در باره اش مقرر کرده بودند و بهمین حال در سال ۱۰۲۳ در گذشت .

۱۴ - آقا رضی اصفهانی از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده و سفری هم به هندوستان رفته و پس از بازگشت از آن سفر در ۱۰۲۴ در اصفهان در گذشته است .

۱۵ - زکی همدانی نیز از غزل سرایان معروف اصفهان درین زمان بوده و

با شکوهی شاعر معروف آن زمان در حوزة درس میرزا ابراهیم همدانی حکیم معروف آن عصر که در ۱۰۲۶ در گذشته درس حکمت می خوانده است و سرانجام در همان شهر در گذشته و در تاریخ رحلت او اختلاف است هم در ۱۰۲۵ و هم در ۱۰۳۰ ضبط کرده اند و در هر صورت از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم اصفهان بوده است .

۱۶ - **ابو تراب فرقتی جوشقانی** وی نیز از شاعران نامی این زمان بوده و

در کاشان نشو و نما یافته و از شاعران دربار شاه عباس شده است و سرانجام در ۱۰۲۶ در گذشته و در غزل استاد بوده است .

۱۷ - **سید محمد حسین لاهیجی متخلص بفقهور** از دانشمندان زمان خود

بوده مدتها در ایران می زیسته و پس از چندی به هندوستان رفته و در پایان زندگی ملازم شاهزاده پرویز پسر جهانگیر پادشاه معروف هند شده و سرانجام در الله آباد سال ۱۰۲۸ در گذشته است . وی مرد بسیار دانشمندی بوده و در طب و شاعری و خوشنویسی معروف بوده و شعر را نیکو میسروده ، تا در ایران بوده رسمی تخلص میسروده و چون بهند رفته بفقهور تخلص کرده و در غزل استاد بوده است .

۱۸ - **مولانا غزالی مهدی** از شاعران نامی قرن دهم بوده نخست در ایران

می زیست و در دربار شاه طهماسب بود و در سال ۹۵۸ خواجه امیر بیک کججی وزیر خراسان که از میر صدرالدین محمد پدر میر غیاث الدین منصور شیرازی تسخیر کواکب و مخصوصاً آفتاب را یاد گرفته بود در شیراز باین کاربرد اخت و چون شاه طهماسب در خشم شد و فرمان داد او را در صندوقی بکنند و دستهایش را از سوراخی که در صندوق کرده بودند بیرون بیاورند و بند بر دستش بزنند تا نتواند با انگشتان خود سحر بکند درین موقع غزالی در اردوی شاه طهماسب بود و شاه او را نزد وی فرستاد که اشعاری در سرزنش وی بگوید پس از آن که بتهمت بد مذهبی خواسته اند او را آزار دهند به هندوستان رفته و نخست درد کن و سپس چندی نزد خان زمان از اعیان هند بوده و پس از کشته شدن اوبا گره و بدر بار جلال الدین اکبر رفته و در دستگاه وی بمقام ملک الشعرا پی رسیده است و معدوحان اوصالات گران باومی داده اند چنانکه خان زمان وقتی که او

را نزد خود خوانده هزار روپیه خرجی برایش فرستاده است و سرانجام در شب جمعه ۲۷ رجب ۹۸۰ بفجاء در احمدآباد در گذشته و اکبر فرمان داده است پیکرش را در سر کنج در مقبره پادشاهان و مشایخ بخاک سپرده‌اند. غزالی از شاعران زبردست زمان خود بوده و مردی عارف مشرب بشمار میرفته و نزدیک پنجاه هزار شعر گفته است از آن جمله مثنویاتی سروده و یکی از آنها را نقش بدیع نام گذاشته و برخی شماره اشعارش را تا صد هزار هم نوشته‌اند.

۱۹- سید نجم الدین ابوالقاسم محمد میانکالی معروف بملاقاسم کاهی کابلی

نیز از شاعران نامی دربار اکبر بوده و او را قاسم میانکالی کابلی می‌گفته‌اند، در جوانی در هرات بوده و در آنجا بخدمت جامی رسیده در حلقه تصوف وارد شده و در دوره بابریان نخست از ۹۳۵ تا ۹۵۶ و بار دوم از ۹۶۱ تا ۹۸۸ به هندوستان رفته و در آنجا از شاعران معروف دربار اکبر بوده است و در موسیقی مهارت بسیار داشته و آوازه‌ها و پرده‌های متعدد ساخته بود و در تفسیر و هیئت و کلام و تصوف و معما و تاریخ نیز مرد داناتی بوده و در ضمن مردی وارسته و بی‌قید بوده چنانکه او را برخی ملحد و زندیق دانسته‌اند و هر چه داشته با قلندران می‌خورده و حتی از معاشرت با سگان هم پرهیز نمی‌کرده است و در ادبیات مرد منصفی بوده چنانکه نوشته‌اند اگر با او ایراد می‌کردند که مضامین اشعار تو از دیگرانست میگفت من ملتزم نشده‌ام که همه از من باشد و هر چه را نمی‌خواهید بتراشید. در سال ۹۷۴ که اکبر بکجرات رفته بود در اردوی او معروف شد که قاسم کاهی مرده است و غزالی که در اردو بود قطعه‌ای در تاریخ مرگ او گفت اما بعد معلوم شد که این خبر درست نبوده و ازین قرار چندی پس از ۹۷۴ هم زنده بوده و در آنجا در ۲ ربیع الثانی ۹۸۸ در گذشته است و نوشته‌اند که صد و بیست سال عمر کرده است. کاهی از شاعران زبردست زمان خود بوده و قصیده و غزل و مثنوی را خوب میگفته دیوانش شامل ۱۷۰۰ بیتست و منظومه‌ای در بحر متقارب بتقلید بوستان سعدی گفته که گل افشان نام گذاشته و گویند در آن مثنوی همه جاقوافی سعدی را مکرر کرده است و نیز منظومه‌ای در معما بوزن حدیقه سروده و برای هر قسم از معما مثالی بهمان وزن از خود آورده و آنرا در ۹۶۴ بیان

رسانده است .

۲۰- **خواجه حمین مروزی**، در جوانی مدنی در کابل بوده و از آنجا به پندرفته است و در آگره نخست از شاعران دربار همایون بوده و سپس از سرایندگان محترم دربار جلال‌الدین اکبر شده و از خاندان محترم و وزیر زاده بود و نسبش به الاءالدوله سمنانی میرسیده و در جوانی معقول را نزد ملا عصام‌الدین ابراهیم وفقه را نزد ابن حجر مفتی عربستان فرا گرفته بود و ازین قرار در جوانی در سرزمین عربستان زیسته است. در دربار اکبر مقام بلندی داشت و بیشتر تخصص او قصاید مدح بود و منحصراً در سرودن داده تاریخ مهارتی داشت چنانکه قصیده‌ای ساخته است که از هر بیت آن نام سلطان سلیم و تاریخ ولادت او که ۹۶۰ باشد بیرون می‌آید و قصیده دیگری دارد که از هر بیت نام شاه مراد و تاریخ ولادت او ۹۸۴ بیرون می‌آید و نیز قصیده‌ای سروده که از هر مصرع اول آن جلوس اکبر و ۹۶۳ و از هر مصرع دوم آن ۹۷۷ تاریخ تولد سلیم بیرون می‌آید و گذشته از شعر در صنعت انشاء و فنون ادب دست داشته سرانجام در سال ۹۷۹ از اکبر اجازه گرفت و بکابل رفت، در آنجا میرزا محمد حکیم باو احترام بسیار کرد اما بواسطه آنکه در مجلس او هدایایی را که از هند آورده بود يك يك می‌گفت نام و بهای آنها را می‌نوشتند بر میرزا محمد حکیم گران آمد و از مجلس برخاست و رفت و کسانی آن هدایا را غارت کردند و وی هم اندکی پس از آن واقعه در کابل در گذشت. **خواجه حسین از قصیده سرایان خوب این دوره بوده است .**

۲۱- **خواجه حسین مشهدی متخلص بشنایی**، در آغاز زندگی مدتها در ایران می‌زیسته و در همان زمان شهرت شاعریش به پند رسیده بود سرانجام از مشهد به هندوستان رفت و در سلک شاعران دربار اکبر در آگره درآمد، اما کارش آنچنان که انتظار میرفت بالا نرفت و در غیاب وی قدرش را بیشتر میدانستند و با آنکه قصیده را بسیار خوب می‌گفته و یکی از توانا ترین قصیده سرایان زمان خود بوده نوشته‌اند که معلومات کافی نداشته است و بهمین جهت در اشعار او معانی عالی و نصایح و معارف نبوده است دیوانش که بیشتر شامل قصاید است دوهزار بیت دارد و مثنویات را هم خوب می‌سروده

وازان جمله ساقی نامه معروفی دارد.

۲۲ - سید جمال الدین محمد عرفی شیرازی ، از بزرگترین شاعران قرن دهم

بود، نام پدرش را خواجه بلوسا کن مجله کوچه سختویه در شیراز دانسته‌اند. در شیراز ولادت یافت و قسمتی از زندگی را در آنجا گذراند و تا سال ۹۸۹ در وطن بود و سپس از آنجا بیندر جرون و از آنجا در ۹۹۰ بدکن رفت و از آنجا عازم فتح پور شد و در آنجا با فیضی شاعر معروف آشنا گشت و چون گمنام بود فیضی او را در خانه خود نگاه داشت و منتهای مهربانی را درباره اش کرد و بوسیله او با مسیح الدین حکیم ابوالفتح که از دانشمندان معروف بود آشنا شد و پس از مرگ او بخدمت عبدالرحیم خان خانان سپهسالار معروف هندوستان پیوست و چندی با او در حیدرآباد بود و سپس بدربار جلال الدین اکبر رفت و تعلق خاطری نسبت بشاهزاده سلیم معروف بجهانگیر پسر پادشاه یافت و سرانجام در ۹۹۹ در گذشت و درباره مرگش اختلافست بعضی نوشته‌اند باسهال رفت و برخی گفته‌اند بواسطه همان روابطی که با شاهزاده سلیم داشت زهرش دادند و بدینگونه در لاهور در گذشت و همانجا او را بخاک سپردند و پس از چندی که درویشی می‌خواست جسد دیگری را که در کنار مرقد عرفی بود از خاک در بیاورد و بنجف ببرد اشتهاها جسد او را بنجف برد و در آنجا بخاک سپرد و این واقعه در سال ۱۱۹۴ یعنی ۱۹۵ سال پس از مرگش روی داده و گفته‌اند که مرقد اردر بنجف معروف بوده است. عرفی یکی از معروفترین شاعران قرن دهم و یکی از مبتکران سبک معروف بسبک هندیست و بهمین جهت دیوان اشعار وی همواره در ایران و هندوستان و ترکیه رواج فوق العاده داشته و عده کثیری از شعرای سبک هندی از قصاید و غزلیاتش تقلید کرده‌اند و قطب الدین نامی از مؤلفان هندش برقصاید او نوشته است و نزدیک پنج هزار بیت قصیده و غزل دارد در ضمن مشغول تقلید خمسة نظامی شده اما مرگ مجالش نداده و تنها پنج مثنوی ناتمام یکی بتقلید مخزن الاسرار بنام مجمع الابدکار و دیگری فرهاد و شیرین بتقلید خسرو و شیرین از ومانده است و نیز ساقی نامه ای دارد و روی هم رفته مثنویاتش شامل دوهزار بیتست ولی درین سبک شعر او در درجه دومست و غزلیات وی قطعاً بر سایر اقسام شعرش ترجیح دارد. نوشته‌اند

که مردی خودخواه بود و بشعر خود اعتقاد بسیار داشت و دیگران را چه از پیشینیان و چه از معاصران با قدر و قیمت نمی دانست .

۲۳ - مولانا شیرازی لاهوری ، اصلاً از شیخ زادگان پنجاب و از دهی بود بنام کوکروال در پنجاب و پدرش از جماعت ساجیان بود که قبیله‌ای معروف بودند و مادرش سید زاده بود و پدرش ملایحیی نام هم شاعر بوده و غزل را خوب می گفته است و وی چندی در سیالکوٹ میزیسته و سپس بدربار اکبر رفته است و بیشتر مداح شمس‌الدین محمد خان آنکه ملقب به خان اعظم و پسر او میرزا عزیز کوکلتاش بوده که او نیز خان اعظم لقب گرفته و هر دو از اعیان معروف هند بوده‌اند و کتابی در مدح این پسر و پدر بنام جهان افروز پرداخته که نزدیک سه هزار بیت مقطعات منظوم دارد و در انواع شعر دست داشته و طبعش بسیار روان بوده چنانکه خود دعوی میکرده است که شبی سی غزل میسروده ولی مهارت عمده او در قطعه و قصیده و بیشتر اشعار شکایت آمیز بوده است و زمانی هم او را بترجمه کتاب معروف مهابهارته از زبان سنسکریت مأمور کرده‌اند و سرانجام در کوهستان یوسف زئی در ۹۹۴ در گذشته است .

۲۴ - مولانا قیدی شیرازی از شاعران نامی این قرن بوده ، نخست در ایران می زیسته و بامید اینکه از شاه طهماسب تشویقی ببیند از شیراز بقزوین رفت اما چون مأیوس شد آهنگ سفر حج کرد و پس از ادای حج به هندوستان رفت نخست در دربار پادشاهان دکن بود و پس از آن جزو شاعران دربار اکبر شد و از ملازمان نزدیک او بود چنانکه با اوسفری بکابل رفت اما روزی که در مجلس وی از ناراحتی مردم شکایت کرد از نظر افتاد و دیگر کرد خدمت دربار نگشت و بقناعت می گذرانند تا اینکه بفتح پورسیکری رفت و در آنجا گرفتار بواسیر شد و مرد شیادی بعنوان طبابت رکهای بواسیرش را برید و بدان علت جان سپرد . قیدی از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده است .

۲۵ - مولانا یادگار حائلی افره‌هی پسر و الهی از شاعران نامی هندوستان اصلاً از طایفه جغتای و از سپاهیان دربار جلال‌الدین اکبر بوده و خود را از بازماندگان

سلطان سنجر می دانسته و از غزل سرایان خوب زمان خود بشمار میرفته و پسری داشته است محمد حسین نام که بقایای تخلص می کرده و او هم شاعر بوده اما در حال جنون پدر خود را از هر داده و کشته است .

۲۶ - **قاسم مهدی متخلص با رسلان** ، نیز از شاعران نامی دربارا کبر در آگره بوده و خود را از بازماندگان ارسلان جاذب از عمال معروف دربار محمود غزنوی می دانسته و بهمین جهت ارسلان تخلص می کرده و وی از مردم طوس بوده و در ماوراءالنهر نشو و نما یافته و سپس به هند رفته و در آنجا بشاعری پرداخته است و در ضمن خوشنویس بوده و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشته و در فن تاریخ ماهر بوده و نیز مردی خوش مشرب بشمار میرفته است و سرانجام در ۹۵۵ که با پادشاه بلاهور رفته بود در آنجا در گذشت . ارسلان در اقسام شعر خصوصاً در غزل و ماده تاریخ ماهر بوده است .

۲۷ - **شیخ رهایی خوافی** ، از بازماندگان شیخ زین الدین خوافی عارف مشهور بوده و به هندوستان رفته و در سلك شاعران دربارا کبر در آگره می زیسته است و مردی صوفی مشرب بوده و خمسه نظامی را تقلید کرده و غزل را نیکو می سروده است .

۲۸ - **میر سلطان بایزید هروی متخلص بدوری** از هنرمندان معروف دربارا کبر در آگره و از خوشنویسان درجه اول خط نسخ تعلیق در هندوستان بشمار می رفته و کاتب الملك لقب داشته و ظاهراً در جوانی از هرات به هندوستان رفته است و در پایان زندگی سفری به حج رفته و از غزل سرایان زبردست زمان خود بشمار می رفته است .

۲۹ - **سید محمد جامه باف متخلص بفکری** از معاریف شاعران قرن دهم بوده نسبت او را هم از مشهد و هم از هرات و هم از تربت دانسته اند و برخی تصریح کرده اند که از بزرگان سادات مشهد بوده، در هر صورت در آغاز جوانی در مشهد ساکن بوده است و در پایان زندگی در سال ۹۶۹ به هندوستان رفته و در دربارا کبر نعمت فراوان یافته و سرانجام در سفر جونپور در سال ۹۷۳ در گذشته است. وی در شعر تنها بر باغی مایل بوده و جز رباعی چیزی از او نمانده و بهمین جهت معاصرانش هم او را میر رباعی لقب داده بودند و در باره اش نوشته اند که صورت و خلقت او را تر کیبی خاص بوده است و از آنچه يك تن

از شعرا گفته معلوم میشود مردی لاغر و زرد چهره و بسیار بلند بالا بوده و چشمان درشت داشته است .

۳۰ - میر حیدر معمایی کاشانی متخلص برفیعی ، وی نیز از شاعرانیست که يك قسمت از عمر خود را در ایران و قسمت دیگر را در هند گذرانده و چون در اشعاروی مرثیه‌ای برای شاه طهماسب هست که در ۹۸۲ سروده و ذکری از وقایع ۹۸۵ هم هست پیدا است که پس از بن تاریخ بهند رفته است و در دربار جلال‌الدین اکبر در آگره از شاعران معروف بشمار میرفته و در شعر تنها در فن معما و تاریخ دست داشته و بهمین جهت باو معمایی می‌گفته‌اند . سرانجام در پایان زندگی با خواجه حبیب‌الله از اعیان هند که از کجرات بلاهور آمده بود همسفر شد که بایران برگردد و اموال بسیار که در مدت اقامت در هند بدست آورده بود با خود برداشت و بکشتی نشست و عازم ایران شد اما نزدیک سواحل کیج و مکران کشتی شکست و هر چه داشت بتاراج رفت و بدین حال در گذشت .
میر سنجر کاشانی از شاعران نامی همین زمان پسر او بوده است .

۳۱ - میر سنجر کاشانی پسر میر حیدر معمایی کاشانی سابق الذکر متخلص برفیعی است وی ظاهراً با پدر بهند رفته و پس از بازگشت او در همانجا مانده است زیرا که از شاعران دربار جلال‌الدین اکبر بشمار میرفته و قصاید بسیار در مدح وی و پسرانش سروده است و حتی امیران دربارش را مدح گفته است و با میرزا جانی والی سرزمین تته نیز مربوط بوده و میرزا غازی راهم مدح گفته است و در پایان سلطنت اکبر از دربار او بسرزمین بیجاپور رفت و از شاعران دربار ابراهیم عادلشاه شد و نخستین بار که نزد عادلشاه رفت خلعت خاص و انگشتری زمرد بسیار گرانبها باو داد و پس از آنکه مدتی در دربار وی بود نامه‌ای از شاه عباس رسید و او را بایران احضار کرد و پیش از آنکه بایران باز گردد در سال ۱۰۲۱ در همان سرزمین بیجاپور در گذشت . میر سنجر برخلاف پدر در اقسام مختلف شعر دست داشته و مخصوصاً قصیده و غزل را نیکو می‌سروده و یکی از بهترین شاعران این سبک در قرن دهم بشمار میرود . دیوان قصاید و غزلیاتش شامل چهار هزار بیتست و ساقی‌نامه‌ای بنام خم خانه دارد شامل ۴۰۰ بیت و مثنوی دیگر بر وزن خسرو و شیرین

شامل ۶۰۰ بیت .

۳۲ - میرزا محمد قلی تگلو میلی هر وی بیشتر بنام میرزا قلی معروف بوده از معاریف شاعران قرن دهم بشمار میرفته و اصلاً از نژاد ترك بوده است چنان می نماید که در آغاز زندگی در تبریز و عراق و یزد و شیراز زیسته است زیرا که گاهی وی را تبریزی یا عراقی یا یزدی یا شیرازی دانسته اند و چون مدایحی بنام ابراهیم خان ابن محمد بیک بن امیر علاء الملک بن جهان شاه پادشاه لار که در ۹۴۸ سلطنت رسیده است دارد پیداست که چندی هم در دربار وی بوده و نوشته اند که مدتی هم در مشهد زیسته و در آنجا تربیت یافته است. در آغاز کار در دستگاه سلطان محمد خدا بنده و سلطان ابراهیم میرزا بوده و سرانجام در ۹۷۹ به هندوستان رفته و مدتها در خدمت نورنگ خان از اعیان هند بوده و قصاید فراوان در مدح او سروده است و در همین زمان در سلك شاعران دربار اکبر بوده است و سرانجام نورنگ خان بر او بدگمان شد و دستور داد زهر در خوراکش کردند و بدین گونه از جهان رفت . چنان می نماید که پس از مرگ پیکرا او را بمشهد آورده و در آنجا بخاک سپرده اند زیرا که قبرش در مشهد است و بر سنگ قبرش تاریخ رحلت او را ۹۸۵ نوشته اند . میلی در قصیده و غزل از شاعران زبردست زمان خود بوده و مخصوصاً در غزل بیان رقت انگیز و سوزناک دارد .

۳۳ - ملا طریقی ساوچی از شاعران درجه دوم دربار اکبر در هندوستان بوده و در باره اش نوشته اند که پیر فاسق و مسخره ای بوده و بزور بی حیایی کارش از پیش می رفته است و سرانجام به حج رفته است و در همان سفر در گذشته و وی از غزل سرا بیان زمان خود بوده است .

۳۴ - ملا مشفق بخاری اصلاً از مردم مرو بوده و چندی در بخارا زیسته و سپس به هندوستان رفته و در جزو شعرای دربار اکبر بوده است و پس از چندی بدیار خود باز گشته و بار دیگر سفری به هند کرده و باز بر گشته است و وی در جلد و هزل شاعری استاد بوده و در قصیده دست داشته است .

۳۵ - ملا صوحی کابلی از نژاد جغتای و از شاعران دربار جلال الدین اکبر

بوده و مدت‌های مدید در دربار وی زیسته است و می نویسند مردی بسیار بی قید و لاابالی بوده است و در ۹۷۲ یا ۹۷۳ در آگره در گذشته و در همانجا ساکن بوده و غزل را نیکو می سروده است .

۳۶ - میر محمود منشی متخلص بمحوی از شاعران نامی دربار اکبر و از منشیان زبردست زمان بوده و نزدیک ۲۵ سال منشی ممالک هندوستان بوده است و دخترش زن نقیب خان از اعیان آن سرزمین بوده و نخست در کجرات بخدمت میرزاخان خانان رسیده و بدین وسیله بندر بار راه یافته بود و سفری هم بحجاز رفته و در غزل استاد بشمار میرفته است .

۳۷ - مغیث محوی همدانی وی نیز محوی تخلص می کرده و از شاعران نامی دربار اکبر و مردی مجرد بوده و چنان می نماید که از ایران به هندوستان رفته و در غزل سرایی دست داشته است .

۳۸ - ملا لطفی منجم از دانشمندان و منجمان معروف زمان خود بود و از شاعران دربار اکبر بشمار می رفت و چندی هم با میرزا نظام الدین احمد در کجرات بوده و بسعی او دارای بسیار بهم زده و سفر دریا کرده است و مردی خوش معاشرت بود و اشعار متقدمین را بسیار بیاد داشت چنانکه نوشته اند که شبی هزار بیت بمناسبت می توانست بخواند و بدیبه را خوب می گفت و مقلدی هم می کرد و در ضمن در غزل سرایی دست داشت .

۳۹ - روغنی ، نیز از شاعران این دوره بوده و در دربار اکبر می زیسته ، نوشته اند مسخره پیشه‌ای بی حیا بوده و هزل او بیش از جدش بوده و سرانجام در ۹۸۰ که با اردوی شاهی بکجرات می رفت در پای قلعه ابوگره در گذشت و همانجا بخاکش سپردند و دیوان وی سه هزار بیت می شده است .

۴۰ - نویدی نیشابوری ، از شاعران دربار اکبر بوده و معلومات متوسطی داشته و در ۹۷۳ که بحج میرفته در راه شهر اجین در خالك مالوه در گذشته و وی از غزل سرایان خوب زمان خود بوده است .

۴۱ - ملا محمد رضا بن خواجه عبدالله اصفهانی متخلص بشکیبی

از بازماندگان خواجه عبدالله اعمامی عارف و از اولاد خواجه امین الدین حسن معاصر حافظ بوده و در ۹۶۴ در اصفهان ولادت یافت و در اصفهان و شیراز کسب دانش کرده و سپس با کشتی به هندوستان رفته و در بندر چبول پیاده شده و از آنجا آهنگ خدمت خان خانان را کرده که در آن زمان در گجرات بوده است و چون وی بگجرات رسید خان خانان با گره رفته بود، او نیز با گره رفت و بخدمت خان خانان پیوست با او بسند و دکن رفت و در ۱۰۰۶ از خدمت خان خانان روی در کشید و بشهر سرویج در خاک مالوا رفت و در آنجا سخت بیمار شد و نذر کرد اگر شفا یابد بزیارت حرمین برود و چون شفا یافت در ۱۰۱۲ باین سفر رفت و پس از سه سال از راه سورت برگشت و در برهانپور با خان خانان مصادف شد و بار دیگر بخدمت او پیوست و در ۱۰۱۸ از خدمت وی کناره جست و خان خانان سیورغالی در حقش برقرار کرد و صدارت دهلی را از جهانگیر برای او خواست و مدتی در دهلی میزیست تا اینکه در ۱۰۲۳ در آن شهر در گذشت، بشکیبی از شعرای معروف زمان خود و مردی دانشمند و نیک خو بوده و در شعر هم استاد بوده است و ساقی نامه‌ای برای خان خانان سروده و ده هزار روپیه صلۀ آن را گرفته است.

۴۲ - میر فارغی شیرازی از سادات شیراز و برادر شاه فتح الله شیرازی از اعیان

دربار اکبر بوده قسمتی از عمر خود را در شیراز گذرانده و يك بار که به هندوستان رفته بیرون خان خانان با او گفته است که چون فارغی تخلص شیخ ابوالواجد خوافی شاعر معروفست و من با او معتقدم بهتر اینست که تخلص را فائقی بگذاری و وی تا در هند بود چنان می کرد و چون بایران باز گشت همان تخلص سابق را بکار برد و بار دیگر سفری به هند کرد و این بار در هندوستان در گذشت و پسرش میر تقی که در هیئت و نجوم دست داشت جانشین عم خود شاه فتح الله شد و پسردیگری بنام میر شریف داشت که او هم مردی دانشمند و وارسته بود و بجز این دو برادر و عمشان شاه فتح الله افراد دیگر این خاندان همه شیعه متعصب بوده اند و وی در غزل استاد بوده است.

۴۳ - یوقلی بيك الیسی شاملو نام او را برخی علیقلی بيك هم ضبط کرده اند

وی از تر کمانان بوده و نخست درهرات در خدمت علی نقی خان از اعیان آن سرزمین می زیسته و پس از کشته شدن وی بهند فرار کرده است و مدتها جزو دستگاه خان خانان بوده و در ضمن جزو شاعران دربار جلال الدین اکبر هم بوده است و سرانجام در شهر برهانپور هند در ۱۰۱۳ یا ۱۰۱۵ در گذشت. انیسی از شاعران زبردست زمان خود بوده و در غزل و مثنوی دست داشته و بنظم محمود و ایاز آغاز کرده بود که عمرش وفا نکرد ولی آنچه اوساخته معروفست و از شاهکارهای شاعران قرن دهم بشمار می رود.

۴۴ - **پادشاه قلی متخلص بجدایی پسر شاه قلی خان نارنجی** از کردان

حوالی بغداد بوده و در جوانی بهند رفته و در دربار جلال الدین اکبر احترامی بهم رسانیده و در ضمن شاعر خوبی بوده و غزل را نیکومی سروده است.

۴۵ - **امیر نید علی مصور تبریزی متخلص بجدایی پسر میر منصور**

از نقاشان هنرمند ساکن هندوستان بود و در جوانی از تبریز بدانجا رفت و در دربار جلال الدین اکبر کارش بالا گرفت و مردی بسیار هنرمند بود چنانکه نوشته اند قصه امیر حمزه را در شاترزه جلد مصور بپایان رسانیده بود که هر جلدی يك صندوق و هر ورقی يك ذرع در يك ذرع می شد و در هر صفحه صورتی ساخته بود و در ضمن غزل سرای مقتدری بوده است.

۴۶ - **ملاقدری شیرازی**، نخست از شاعران مقیم شیراز بود و در جوانی بسوداگری

بهند رفت و چندی در هندوستان ماند و از شاعران دربار اکبر بود و چندی درد کن اقامت داشت و در پایان این سفر که بایران برمی گشت در دریا غرق شد و از غزل سرایان خوب زمان خود بوده است.

۴۷ - **تشبیهی کاشانی**، از شاعران مقیم ایران بوده و سه سفر به هندوستان رفته

و چندی در دربار اکبر مانده و نوشته اند که از پیروان طریقه بساخوانی یا بسخوانی و از اصحاب محمود بساخوانی بوده و مردم را بدان طریقه دعوت می کرده است و دعوی اجتهاد داشته و بابوالفضل بن مبارک متوسل شد و قصیده ای که در مدح اکبر ساخته بود بوسیله او بپادشاه رسانید و درین قصیده از اکبر خواسته بود تقلیدیان را براندازد تا حق

بهر کز خود باز گردد و توحید خالص بماند و رساله‌های هم بنام شیخ ابوالفضل نوشته بود و در آن عقاید اهل نطق و حروف را شرح داده بود ولی در ضمن مرد مجرد بی قیدی بوده و در شعر دست داشته و گذشته از غزل مثنوی ذره و خورشید را سروده است .

۴۸ - میر محمد شریف و قوعی نیشابوری از خویشان شهاب‌الدین احمدخان از اعیان دربار اکبر بوده و او را کافر میدانسته‌اند و می گفته‌اند گاهی خود را جزو بسخوانیان و گاهی جزو صباحیان معرفی میکرده است ولی جزو هیچ یک نبود و بادوار و قناسخ عقیده داست و با این همه قصاید در مناقب ائمه می گفته و در خط و انشاء بسیار ماهر بود و در کتابهای تاریخ بزبان نازی دست داشت و سرانجام در سال ۱۰۰۲ در گذشت و کتابهای نفیس داشت که بعد از مرگش باقی ماند .

۴۹ - نورالدین قراری گیلانی برادر کهتر حکیم ابوالفتح و حکیم همام از معاریف دانشمندان دربار اکبر بود و فضایل بسیار داشت از آن جمله خوشنویس و شاعر زبردست بود و بوسیله برادرانش بدربار اکبر راه یافت اما پس از چندی او را بینگاله فرستادند و در آنجا در گذشت . او هم از غزل سرایان خوب این دوده بوده است .

۵۰ - ملاغیرتی شیرازی ، از شاعران ساکن ایران بوده و سفری هم به هند رفته و چندی در دربار اکبر مانده و باز بایران باز گشته و در جوانی از پهلوانان زمان خود بوده و در کمان کشی و تیراندازی مهارت کامل داشته و در بازگشت از هند چندی در کاشان مانده و گرفتار عشق یکی از بزرگ زادگان آن شهر شده و چون تحمل نداشته بشیراز رفته و در آنجا در گذشته است .

۵۱ - ملاحیاتی گیلانی از شاعرانیست که در جوانی از ایران به هندوستان رفته و بوسیله حکیم ابوالفتح در دربار اکبر راه یافته و با آنکه چندین در علوم دست نداشته در شعر ماهر بوده است و مردی بسیار راست و درست و منصف بوده و غزل را خوب می سروده است .

۵۲ - میر خسروی گنابادی ، خواهرزاده میرزا قاسم گنابادی بوده و چون در قاین ولادت یافته بود برخی او را قاینی دانسته‌اند و وی از شاعران معروف و مقرب دستگاه جلال‌الدین اکبر بوده و از سفر حجاز به هندوستان رفته و بیشتر ملازم پسر بزرگ

اکبر بوده و او نیز از غزل سرایان خوب این دوره بشمار میرفته است .

۵۳ - **ملا فهمی طهرالی رازی** ، از شاعرانیست که ساکن ایران بوده و سفری

به هند رفته و چندی در دربار اکبر مانده و بایران باز گشته و غزل را نیکومی سروده است .

۵۴ - **ملا سهمی بخاری** ، پدرش تیر گربود و وی نیز این شغل را اختیار کرد

و به همین جهت سهمی تخلص میکرد و از شاعران دربار اکبر بود و نخست از پیوستگان

میرزا عزیز کو که از اعیان آن دربار و چندی نیز در دستگاه خان اعظم بود و مردی

متعصب بود و غزل را خوب می گفت .

۵۵ - **میر حزنی اصفهانی** ، از شاعران مقیم ایران بوده است و در پایان زندگی

عازم هندوستان شده ولی بدربار اکبر نرسیده در راه در گذشته است و او هم از غزل سرایان

زبردست این دوره است .

۵۶ - **مولانا مظهري کشمیری** ، از مشاهیر شعرای قرن دهم هندوستان بود

و در جوانی که سرگرم عیش و عشرت بود بایران آمد و پس از آنکه چندی در ایران

گذرد و سفر میکرد به هند باز گشت و به کشمیر رفت و در جزو شاعران دربار اکبر وارد شد

و چون آن پادشاه کشمیر را گرفت منصب امیر البحری را که از مناصب مهم بود باو داد

و پس از چندی معزول شد و هم چنان در کشمیر می زیست و او هم از غزل سرایان زبردست

این دوره بوده است .

۵۷ - **شیخ حسین صوفی دهلوی متخلص بچشتی** از متصوفه هندوستان و از

پیروان طریقه چشتی بوده و به همین جهت چشتی تخلص می کرده و از مریدان شیخ سلیم

چشتی از صوفیه معروف زمان خود بوده و در خانقاه فتح پور سیکری میزیسته و مؤلفات

چند داشته از آن جمله منظومه دل و جان را بتقلید حسن و جان فتاحی شاعر معروف

پرداخته و بجز آن اشعار فراوان سروده است .

۵۸ - **درویش بهرام سقا** از نژاد ترك و از قوم بیات بوده و ادعا داشته است

که بصحبت خضر رسیده بود و به همین جهت سقایی میکرد و ازین راه گذران میکرد

و لباس صوفیان می پوشید و پس از چندی که در دربار اکبر بود بسر ندیب رفت و آنجا

در گذشت و او نیز غزل را نیکو میسروده است .

۵۹ - حاج مولانا حیدری تبریزی ؛ از شاعران نامی آذربایجان و شاگرد

لسانی و شریف تبریزی شاعران معروف این زمان بود و دو سفر به هندوستان رفته و مدتی در سلك شاعران دربار اکبر بوده است و از شاعران زیر دست زمان خود بوده و دیوان وی نزدیک چهارده هزار بیت میشده و در برابر کتاب « سهو اللسان » که استاد وی شریف تبریزی در نکوهش از لسانی استاد دیگری پرداخته وی کتابی بعنوان « لسان الغیب » نوشته است .

۶۰ - محمد صالح دیوانه کابلی متخلص بفارغی پدرش بمالای کتابدار معروف

و کتابدار پادشاهان بابر بود و وی از خردی در دستگاه جلال الدین اکبر پرورش یافت و بیشتر در کابل میزیست و از دربار هندو وظیفه میگرفت و مردی وارسته و سوخته بود و کارهای دیوانه وار میکرد بهمین جهت بدیوانه معروف شده بود، چنانکه مدتی قرار گذاشته بود تا پنج شش طبق خوراک در دریا یا چشمه یا حوضی برای خضر نمیریخت خود چیزی نمیخورد و یکی از ملازمان او که قاسم هندی نام داشت و شاعر و پسر فیلبانی بود همیشه او را فریب میداد و آن طعامها را که بر میداشت بیرون میبرد و باو باش که مانند وی بودند میداد تا بخوراند و چون بر میگشت و محمد صالح از او میپرسید خواجه یعنی خضر را دیدی ؟ میگفت دیدم و آن طعام را بشوق و ذوق خورد و ترا دعا کرد و ازین گونه دروغها باو میگفت و این دیوانه باور میکرد . در هر صورت وی شاعری غزل سرای و درین روش استاد بوده است .

۶۱ - مولانا محمد هاشم ؛ برادرزاده مولانا شاه محمد انسی از شاعران نامی

این دوره و از خدمتگزاران بیرم خان خان خانان بوده و در جزو شاعران دربار اکبر بشمار میرفته گاهی سمایی و گاهی وافی تخلص میکرده و در پایان زندگی هاشم تخلص کرده است و خان خانان بشعرا و بسیار معتقد بود چنانکه در برابر یک غزلش يك لك تنگه بار داده و در شهر لاهور در ۹۷۲ در گذشت و غزل را خوب میگفت .

۶۲ - هاشم قصه خوان متخلص بمحترم ؛ وی نیز از شاعران غزل سرای

دربار اکبر بوده و بخدمت خان خانان میرزا خان اختصاص داشته است .

۶۳ - **ملا بقایی** ؛ از شاعران ایران بوده که در جوانی به هند رفته و مدتی در دکن بوده و با ملک قمی شاعر معروف با هم میزیسته اند و از آنجا بکجرات رفته و در خدمت میرزا نظام الدین احمد بوده و در آن زمان مشغولی تخلص میکرده و چون میرزا نظام الدین این تخلص را نمی پسندیده او را بقایی تخلص داده است و پس از چندی که ملازم خان خانان بوده از وی جدا شده و مدتی در آگره و مدتی در لاهور میزیسته و شاعر خوش ذوق با حالی بوده و زندگی مرفه داشته است .

۶۴ - **ملا غنی امینی** ؛ نیز از غزل سرایان خوب دربار اکبر بوده و مدتی در کجرات در خدمت میرزا نظام الدین احمد بوده و خوبی تخلص میکرد، میرزا نظام الدین تخلص او را هم تغییر داد و امینی تخلص داد و سپس ملازم پسر مهتر جلال الدین اکبر شده و از شاعران جوان دربار اکبر بوده است .

۶۵ - **شریف سرمدی اصفهانی** ؛ از غزل سرایان دربار اکبر بود، چندی منصب چو کی نویسی داشت و سپس با شریف آملی مأمور خدمتی در بنگاله شد. نخست فیضی تخلص میکرد و چون در حضور پادشاه با شیخ ابوالفیض فیضی شاعر معروف معارضه افتاد تخلص خود را تغییر داد .

۶۶ - **شریف متخلص بفارسی** ؛ پسر خواجه عبدالصمد شیرین قلم مصور از خوشنویسان معروف دربار اکبر بود و وی نیز مانند پدر در نقاشی و خط مهارت داشت و تربیت شده بود و بهمین جهت اکبر باو مهربانی میکرد و وی در هنرهای مختلف دست داشت چنانکه گویند پدرش در یک طرف يك دانه خشخاش سوره اخلاص را تماماً و در طرف دیگر چیزی بهمان اندازه نوشته بود و وی در يك دانه خشخاش هشت سوراخ باریک کرده و از هر سوراخی تازی گذرانده و در دانه برنجی صورت سواری مسلح و جلوداری در پیش او ساخته بود و حتی تیرو سپر و چوگان آنرا نقش کرده بود و در غزل نیز توانا بوده است .

۶۷ - **تقی الدین محمد ششتری** ؛ از دانشمندان ایران بوده که به هندوستان

رفته و در دربار جلال‌الدین اکبر میزیسته و در علوم عقلی و نقلی دست داشته و در نظم و نثر ماهر بوده و از منشیان دربار بشمار میرفته است .

۶۸ - میر غازی رازی متخلص باسیری ، برخی نام وی را میر قاضی نوشته‌اند و پیداست که درست نیست از شاعران ساکن ایران بوده که سفری به هند رفته و مدتی جزو سپاهیان دربار اکبر بوده و مردی دانشمند بشمار میرفته و چند سال شاگرد حکیم‌الملک از دانشمندان آن دیار بوده و چون سرانجام آب و هوای هند با او سازگار نبوده است بایران بازگشته و در شهرری رحلت کرده است .

۶۹ - حاج ملا محمد حسین نظیری نیشابوری ؛ یکی از معروف ترین غزل‌سرایان دربار اکبر و شاعران قرن دهم هندوستان بود . در جوانی از نیشابور به هندوستان رفت و قصاید غرا در مدح خان خانان گفت و صلوات گرانمایه گرفت و بدین وسیله بدربار اکبر راه یافت و در آنجا نیز محترم بود . هنگامی که در دستگاه خان خانان بود شاعر دیگری هم بود که او هم نظیری تخلص میکرد و چون هیچیک حاضر نمی‌شدند تخلص خود را تغییر دهند سرانجام قرار گذاشتند نظیری نیشابوری که مالدارست هزار روپیه بدهد و آن دیگری نظیر تخلص کند و بهمین گونه رفتار کردند . در اواخر عمر سفر حج رفت و در بازگشت ازین سفر در احمدآباد در خاک کجرات ساکن شد و مردی درویش مشرب و صوفی منش و وارسته بود و در پایان زندگی اشعار صوفیانه میگفت و درین زمان زبان نازی را آموخت و شیخ محمد سند وی متخلص بغوثی مؤلف کتاب گلزار ابرار استاد او بود و در ده دوازده سال بازمانده عمر که در احمدآباد بود علوم دینی و تفسیر و حدیث را فرا گرفت و استاد او درین فن مولانا حسین جوهری بود و سرانجام در ۱۰۲۳ در احمدآباد در گذشت و در تاج پوره احمدآباد جسدش را بخاک سپردند و بنایی بر سر خاکش ساختند که زیارتگاه شد . نظیری از معارف شاعران غزل سرای سبک هندیست و سخن شورانگیز پر مغز فراوان دارد و دیوان وی شامل ۶۰۰۰ بیتست .

۷۰ - محمد حسین بقایی اگهری پسر مولانا یاد کارحالی سابق الذکر است و از شاعران دربار اکبر بوده و چنانکه گذشت مبتلابچنون شده و پدر خود را زهر داده

و کشته است و او را مجازات کرده‌اند و با این همه در غزل استاد بوده است .

۷۱ - **وفایی اصفهانی** از شاعرانیست که از ایران به هندوستان رفته و در دربار

اکبر راه یافته و بیشتر بخدمت زین خان کو که اختصاص داشته و چندی در کشمیر بوده و سپس بلاهور رفته است و در آغاز مجرد میزیست و سپس علایقی بهم زد و از غزل سرایان خوب این دوره است .

۷۲ - **فنائی جغتایی** از نجیب زادگان دربار اکبر بوده و سفر بسیار کرده و

بمحج رفته است و نخست از سپاهیان بوده و پس از چندی معزول شده و مدعی بوده است که در شمشیر و شعر و شطرنج کسی از او برتر نیست و مدتی در بند بود و چون رهایی یافت دیوانه شد و دیگر کسی از او خبری نیافت و وی نیز از غزل سرایان زبردست زمان بوده است .

۷۳ - **ملاخره زرگر متخلص بفنائی** وی نیز از غزل سرایان دربار اکبر و در

آغاز از نوکران میرزا عسکری بوده است .

۷۴ - **میر عزیزالله عزیزی سیفی حسنی قزوینی** از خانواده معروف سادات

سیفی حسنی قزوین بود و به هندوستان رفته در دربار پادشاهان هند بمقاماتی رسیده بود . چندی منصب دیوان سعادت داشت و چون کروریان در دربار استیلا پیدا کردند وی مأمور مالیات ناحیه سنهبل شد و چندی نیز منصب دیوان صدارت را داشت و سرانجام برای پس دادن حساب او را بحبس و شکنجه کشیدند و چند سال در زندان ماند و هر چه داشت از او گرفتند و بهمان حال در گذشت . وی از مردم دانشمند زمان خود بوده و در فن سیاق و انشاء مهارت داشته و علوم غریبه را هم میدانسته و در شعر نیز استاد بوده و از روش شعرای قرن نهم پیروی میکرده و منظومات چند سروده است از آن جمله گل و مل و وجه القناعه و منظومه رمل و صحیفه العشاق و شهر آشوب ، دیوان غزلیات هم داشته است .

۷۵ - **میر شریف امامی اصفهانی هروی** نخست در اصفهان می زیسته و از

آنجا بهرات و سپس با بابریان به هندوستان رفته و بهمین جهت با اصفهانی و هروی معروف شده و مدتها نیز در کابل زیسته است و از شاعران نامی دربار جلال الدین اکبر بوده

ویست سال در هندوستان مجرد زیسته و غزل را نیکو می سروده است .

۷۶ - ملاغریبتی **حصاری بخاری** از شاعران ماوراءالنهرست که بهندوستان

رفته و در جوانی از مریدان و اصحاب حسین خوارزمی صوفی معروف قرن نهم بوده و درین زمان کسب دانش می کرده و سپس دوبار بهندوستان رفته و از شاعران دربار اکبر شده و در ۹۶۶ در شهر آگره در جوار مدرسه شیخ فرید در گذشته و در همانجا مدفون شده است و از غزلسرایان خوب این دوره بشمار می رود .

۷۷ - ملا بابا طالب **اصفهانی** از اصفهان بهند رفته و هشت سال در کشمیر

اقامت داشته، نخست قلندر منش بوده و سپس وارد خدمت دربار جلال الدین اکبر شده و اکبر او را از کشمیر بسفارت نزد حاکم تبت خرد علی رای فرستاد و در بازگشت ازین سفر رساله‌های درغرایب و توادر آن سرزمین نوشت که نسخه آنرا باهوالفضل علامی داد و وی هم در اکبر نامه گنجانید و گذشته ازین در غزل سرایی هم استاد بوده است .

۷۸ - **میر اشکی قهی** از سادات طباطبایی بوده و در جوانی از ایران بقندهار و

و از آنجا بهند رفته و مدنی از شاعران دربار جلال الدین اکبر بوده و سرانجام در آگره در گذشته و دردم مرگی مجموعه اشعارش را که ده هزار بیت می شده بمیر جدایی ترمذی سپرده است که منظم کند، وی هم آنچه شعر جالب در آن بوده بنام خود کرده و بازمانده را بآب انداخته است و اشعار او شامل دو دیوان غزل و یک دیوان قصاید و یک دیوان اهاجی بوده و در شعر از روش آصفی شاعر معروف قرن نهم پیروی می کرده است .

۷۹ - **امیر بیک پیروی ساوجی** نیز از شاعران است که از ایران بهندوستان

رفته و در دربار جلال الدین اکبر می زیسته و در نقاشی استاد بوده است و منظومه‌ای بنام «صورت و معنی» سروده و در غزل نیز زبردست بوده است .

۸۰ - **جعفر بیک قزوینی ملقب باصف خان** برادرزاده میرزا غیاث الدین

علی از اعیان دربار اکبر بوده و خود نیز در آن دربار منصب میربخشی یافته و سپس داخل درجرت که بخشیان عظام شده و مردی دانشمند و باذوق و بذله گوی و شیرین سخن بود و در بتکچی گری دست داشته و تا عمش زنده بود بواسطه آنکه مردم از او دل خوش

نداشتند ترقی نکرد و پس از مرگ وی به مقام بلند رسید و در شعر بر بسیاری از معاصران خود ترجیح داشته است .

۸۱ - شیخ ساقی جزایری از نژاد نازی و پسر شیخ ابراهیم جزایری از پیشوایان

شیعه مشهد بود و وی در آن شهر ولادت یافت و سفری به هند کرد و چندی در دکن و چندی در بنگاله اقامت داشت و جزو شاعران دربار اکبر بشمار می رفت و غزل را نیکو میگفت .

۸۲ - محمد میرک صالحی هروی نسب خود را بنظام الملک طوسی میرسانده

و چندی به هندوستان رفته و از شاعران و منشیان دربار اکبر بوده و سپس بوطن خود باز گشته است و در شعر و انشا دست داشته و جزو شاعران دربار اکبر بشمار می رفت و خط را خوب می نوشته و مردی دانشمند بوده است .

۸۳ - صرفی ساوجی از شاعران است که از ایران به هند رفته و چندی در کجرا ب

با خواجه نظام الدین احمد بوده و سپس بلاهور رفته و در آنجا درزی درویشان زندگی میکرده است و در زمانی که فیضی شاعر معروف را از دربار اکبر مأمور دکن کرده اند وی هم جزو شاعران دربار اکبر بوده، با او رفته و در آنجا در گذشته است و مردی درویش مسلک و مجرد بوده و قصید و غزل را نیکو میسروده است .

۸۴ - سید محمد عتایی نجفی از ایرانیان ساکن نجف بود و مدتی در ایران

زیسته و شاگرد میر حضور قمی شاعر معروف آن زمان بوده و سپس به هندوستان رفته و نخست در دربار علی عادل شاه پادشاه دکن وارد شد و پس از مرگ وی جانشینانش با او مهربان بوده اند، اما پس از چندی در الله آباد بدربار اکبر رفته و در باره اش گفته اند که شاه فتح الله را درد دکن هجو کرده و وی منکر بود در اشعارش گشتند و اهاجی بسیار یافتند و او را از فتح پور سیکری بگو الیار بردند و در قلعه گوالیار که از قلاع استوار هند بوده وی را در حبس افکندند و هر چه در زندان اشعاری سروده کارگر نیفتاده و ده سال در بند مانده است و سرانجام بشفاعت شاهزادگان او را آزاد کرده و هزار روپیه خرج سفر بوی داده اند که بحج رود اما چون پول را از قلیچ خان گرفت و از آن قلعه بیرون آمد در راه از بندرسورات فرار کرد و دوباره بدکن رفت و بخدمت

برهان الملك وزیر پیوست و با وی در احمدنگر ساکن بود و تا پایان زندگی در آنجا میزیست. وی مردی تندخوی و بد زبان بوده و هجو بسیار می‌گفته اما در دوزبان تازی و پارسی شاعر توانا بوده و در انشا و خط نیز دست داشته است و در زبان فارسی غزل را مخصوصاً خوب می‌گفته است.

۸۵ - امیر علاءالدوله بن یحیی بن عبداللطیف سیفی قزوینی حسنی متخلص

بگامی از خانواده معروف سادات سیفی حسنی قزوینی و پسر امیر یحیی قزوینی مورخ معروف قرن نهم مؤلف لب التواریخ و مختصر التواریخ است که در رجب ۹۶۲ در گذشته و وی پس از مشکلاتی که بواسطه سنی بودن برای خانواده اش در قزوین پیش آمد به هندوستان گریخت و در دربار جلال الدین اکبر مورد توجه شد و از شاعران محترم دربار وی بود و سرانجام در ۹۸۲ در گذشت وی در غزل سرایی دست داشته و گذشته از آن مؤلف کتابیست در تذکره شاعران قرن دهم و مخصوصاً شعرای دربار اکبر که از ۹۷۳ تا ۹۸۱ مشغول تدوین آن بوده و نقایس المائر نام گذاشته و عبدالقادر بدائونی در منتخب التواریخ فصل مهمی که در تذکره شعرای دربار اکبر در پایان کتاب دارد از همین تذکره گرفته است.

۸۶ - گامی سبزواری نیز از شاعران قرن دهم بوده که از ایران به هندوستان

رفته و در دربار اکبر میزیسته و در غزل دست داشته است.

۸۷ - ملاملك قمی در جوانی بشاعری آغاز کرده و از قم بکاشان رفته و در آنجا

سخن آموخته است و سپس چندی در قزوین مشغول کسب کمال بود و سرانجام در رمضان ۹۸۷ آهنگ هندوستان کرد و نخست وارد دکن شد و مرتضی نظامشاه دیوانه حکمران احمدنگر و پس از او برهانشاه باو احسان بسیار کردند و در بیجاپور مدتی در دربار برهان نظامشاه و ابراهیم عادلشاه میزیست و از ایشان احسان بسیار دید و در آنجا با ظهوری ترشیزی شاعر معروف مربوط شد و دختر خود را بوی داد و در تألیف کتاب نورس که ظهوری بنام عادلشاه بیابان رسانیده دست داشته است و فیضی در سفری که از جانب اکبر بدربار برهانشاه با احمدنگر رفته در آنجا ملک و ظهوری را دیده و با هر دو دوستی بهم

زده است و در دربار عادلشاه حرمت بسیار داشته و او را ملك الکلام می گفتند و مردی بسیار متواضع و درویش مشرب بوده چنانکه نوشته اند کمتر میشده که چشمش از اشک خالی بوده باشد و در ضمن مرد دانشمندی بوده و سرانجام درد کن سال ۱۰۲۴ در گذشته است. ملك قمی از شاعران معروف این دوره هندوستان بوده و بسبب سخن سرایان قرن نهم شعر میگفته و شاعران زمان بشعر او بسیار معتقد بوده اند چنانکه فیضی در سفر احمدنگر نسخه دیوان ویرا با خود بدربار اکبر برده و بسیار پسندیده افتاده است.

۸۸ - ملانوعی خوبشانی اصلا از مردم خوبشان یا خوجان یعنی قوچان امروز

بوده و خود را از بازماندگان شیخ حاجی محمد خوبشانی عارف معروف میدانست و چون مدتی در مشهد میزیسته بمشهدی معروف شده و از آنجا به هندوستان بدربار اکبر رفته، نخست در دستگاه شاهزاده دانیال معروف بشاهزاده خرد پسر اکبر بوده است و سپس وارد دستگاه خان خاتان سپهسالار شده و مدایح بسیار در باره او گفت و صلوات فراوان از او گرفت؛ چنانکه يك باره هزار روپیه نقد و خلعت و يك فيل و يك اسب عراقی باو داد و سپس از شاعران دربار جهانگیر شد و سرانجام در برهان پور در ۱۰۱۹ در گذشت. وی مردی شوخ و درغزل و مثنوی استاد بود و گذشته از دیوان غزلیات مثنوی و امق و عنذرا و مثنوی سوزناکی بنام سوز و گدازه شامل دو هزار بیت دارد و شرح آن اینست که جوان هندویی شب زفاف سقف بازار بر سرش فرود آمده و مرده و عروس جوان زیبایش را هر چه پند داده اند نپذیرفته و خود را باشوهر خویش بعبادت هندوان سوخته است.

۸۹ - وحشی بافقی از معروفترین شاعران قرن دهم و اصلا از مردم بافق بود که

در میان یزدو کرمان واقع شده و گاهی تابع حکومت یزدو گاهی از آنجمله در زمان وحشی تابع حکومت کرمان بوده بهمین جهت وحشی را برخی از تذکره نویسان از مردم یزدو برخی هم از مردم کرمان دانسته اند. از اشعار وی پیداست که سفرهایی بعراق و کاشان کرده اما بیشتر در یزد ساکن بوده است و چون مزار او نیز درین شهرست پیداست که در آنجا در گذشته است. از جزئیات احوال وی اطلاع درستی نیست و در اشعار او مدایحی بنام شاه طهماسب اول و برخی از رجال دربار وی مانند عبدالله خان اعتماد الدوله صدر

اعظم و نواب محمد ولی سلطان حکمران کرمان و میرغیاث الدین محمد معروف بمیر میران حکمران یزد از باز ماندگان شاه نعمه الله ولی دیده میشود. از آنچه تذکره نویسان درباره او آورده اند معلوم میشود مرد عاشق پیشه‌ای بوده و سرانجام در سال ۹۹۱ در یزد رحلت کرده و همانجا ویرا بخاک سپرده اند و در زمانهای اخیر بر سر خاک او بنایی ساخته اند. وحشی یکی از بهترین شاعران قرن دهم ایرانست و سخن را بسیار عاشقانه و سوزناک می‌سروده و در غزل و مثنوی مهارت بسیار داشته و به همین جهت سبک خاصی ابتکار کرده و پس از وی بسیاری از شاعران از آن تقلید کرده‌اند اما هیچیک بیای او نرسیده‌اند. بجز دیوان قصاید و غزلیات و ترجیعات و ترکیبات و مسمطات و مقطعات و رباعیات شامل ۱۵۰۰ بیت سه مثنوی نیز از او مانده است: نخست خلد برین برون مخزن الاسرار نظامی در ۵۰۰ بیت، دوم ناظر و منظور برون خسرو شیرین نظامی شامل ۷۰۰ بیت که در ۹۶۶ پایان رسیده و سوم شیرین و فرهاد در ۸۰۰ بیت بهمان وزن که شاهکار او بشمار میرود و یکی از بهترین مثنویات عاشقانه زبان فارسیست اما مجال نکرده است آنرا بیایان برساند و چون ناتمام بوده است وصال شیرازی شاعر معروف قرن سیزدهم در سال ۱۲۶۵ قمری آنرا بیایان رسانده است.

۹۰ - ملاحسین یزدی متخلص بمؤمن از شاعران نامی قرن دهم بوده که تا اوایل قرن یازدهم هم زیسته است و از فقهای مشهور زمان خود بشمار میرفته و در یزد میزیسته و از شاگردان نامی میرزا جان شیرازی دانشمند معروف قرن دهم بوده است و دویسر داشته که هر دو از دانشمندان معروف زمان خود در یزد بوده‌اند: نخست میرزا ابوالحسن که در جوانی در گذشت و دیگر میرزا ابوالهادی که در زمان شاه صفی بهند رفته و بدر بار شاه جهان شهاب الدین محمد پذیرفته شده و از مهر بانی دیده و سپس بحیدرآباد بدر بار عبدالله قطب شاه رفته و از مهر بانی دیده و پس از چندی در ۱۰۲۸ در آنجا در گذشته و امیر محمد سعید میر حمله جنازه ویرا بنجف فرستاده و او پسری داشته میرزا محمد صفی نام که از سوی مادر از خاندان امیر معز الدین محمد شیخ الاسلام یزد بوده و در یزد میزیسته است. ملاحسین در میان شاعران زمان خود بیشتر بنام ملا مؤمن حسین معروف بوده و شاعر توانایی بشمار میرفته اما جز رباعی چیزی نسروده است.

۹۱- مولانا وجیه‌الدین عبداللہ لسانی شیرازی نیز از معاریف شعرای زمان

خود بوده، پدرش میر محمد مشک فروش شیرازی بوده و وی در جوانی ببغداد و از آنجا بتبریز رفته و در زمان حکمرانی امیر نجم ثانی در تبریز متوطن شده، بهمین جهت برخی از تذکره نویسان او را تبریزی دانسته اند. درباره وی نوشته‌اند که در پیری مبتلای بعشق شد و چون معشوق مبالغه کزافی از وی خواست قصیده ای در مدح امیر نجم ثانی سرود و هنگامی که امیر در گرمابه بودند نزد او رفت و قصیده را بروی خواند و امیر جایزه‌ای گران باو بخشید و وی آن زر را برداشت و نزد معشوق رفت و معشوق وی که این جوان مردی را دیدر زرا از او نگرفت. تذکره نویسان گویند مردی پارسا و قانع و شوریده بوده است و در ۹۴۱ در تبریز در گذشت. دیوان اشعار وی نزدیک دوازده هزار بیت دارد و در اشعارش پست و بلند بسیارست، برخی نوشته‌اند شریف تبریزی شاعر که از شاگردان وی بود با او غرض داشت و پس از مرگش مجموعه‌ای از اشعارست بنام او انتشار داد و آنرا «سهو اللسان» نام گذاشت و وانمود کرد که این مجموعه را از سخنان سنت او گرد آورده است. لسانی مبتکر سبک نازه‌ایست در شعر و آن اینست که مجعوعه ای از رباعیات در وصف شهر تبریز و وصف عشق و دل و ساقی و پیشه و ران شهر دارد که «شهر آشوب» نام گذاشته و چندان از شاعرانی که پس از او آمده‌اند از او تقلید کرده‌اند.

۹۲- محمد بن سلیمان بغدادی متخلص بفضولی از نخستین شعرای زبان

ترکی آذربایجانی که در ضمن شاعر زبر دستی بزبان فارسی هم بوده است، اصلاً کرد بوده ولی در بغداد میزیسته و زبان ترکی و فارسی را هم خوب میدانسته است. در ۹۴۶ که ابراهیم یاشا وزیر اعظم سلطان سلیمان آل عثمان بغداد را گرفته قسایدی در مدح سلطان و وزیر وی سروده و در پاداش آن مستمری درباره او برقرار کرده‌اند و سرانجام از بیماری طاعون در ۹۶۸ یا ۹۷۰ در گذشته است. فضولی در شعر ترکی آذربایجانی اهمیت بسیار دارد و پس از شاه اسمعیل اول صفوی که خطایی تخلص میکرده و نخستین شاعر این زبانست وی بر دیگران تقدم دارد و بهمین جهت ترکان عثمانی که ویرانگرترین شاعر زبان خود میدانند با آثار وی اهمیت بسیار میدهند. وی در شعر ترکی تقریباً همه جا

مضامین و حتی کنایات و استعارات و تلفیقات شعرای ایرانرا ترجمه کرده و غزلیات وی عیناً تقلید از غزلیات فارسیست و نیز در ۹۴۲ لیلی و مجنوی ترکی سروده که کاملاً مطابق با لیلی و مجنون نظامیست. گذشته از دیوان غزلیات و لیلی و مجنون مثنوی دیگری بنام «بنگ و باده» ساخته و بنام شاه اسمعیل اول پیاپی رسانیده است و کتاب معروف روضة الشهداء تألیف ملاحسین کاشفی را بزبان ترکی بنام «حدیقة السعداء» ترجمه کرده است و نیز رساله‌ای بنام «شکایت نامه» بزبان ترکی خطاب سلطان سلیمان نوشته و در آن از پرداخته نشدن مستمری که درباره‌ی وی برقرار کرده بود شکوه کرده است. در زبان فارسی نیز غزلیات و اشعار متفرقه سروده است و ساقی نامه‌ای هم شامل ۳۳۰ بیت دارد و نیز رساله‌ای شاعرانه با افکار صوفیه بنام لطایف المعارف یا مرآت الحق نوشته که مناظره‌ایست در میان روح و عشق و بنام «سفرنامه روح» نیز معروفست و نیز منظومه‌ای بنام «صحت و مرض» و رساله‌ای بعنوان «رند و زاهد» دارد.

۹۳ - بابا فغانی شیرازی از بزرگترین شاعران غزل سرای قرن دهم بوده

نخست در شیراز میزیسته و نزد برادرش کارد گری میکرده و در همان زمان بشاعری آغاز کرده و نخست سکاکی تخلص میکرده است اما پس از اندک مدتی فغانی تخلص کرده و مدتی در شیراز برندی و می خوارگی روزگار گذرانده و در حدود سی سالگی از شیراز بیرون رفته، نخست چندی در هرات زیسته و با جامی و شاعران آن زمان محشور شده و چون اقبالی باو نکرده‌اند از خراسان عازم آذربایجان شد و پیش از آن چندی هم در مشهد و نواحی دیگر خراسان مانند نسا و ابیورد ساکن بوده‌است. در آذربایجان سلطان یعقوب آق قویونلو که پادشاه ادب پروری بود او را بر کشید و بر شاعران دیگری که در دربارش بودند ترجیح داد و در جنگها نیز ویرا با خود میبرد چنانکه در یکی از جنگها نسخه دیوانش بغارت رفت. اما فغانی هم چنان شوریده و لا اقبالی بود و بجاء و جلال پایست نمیشد تا اینکه سلطان یعقوب در ۸۹۶ در گذشت و چون جانشینان وی دیگر بشعر توجهی نداشتند فغانی پس از آنکه تقریباً ۱۷ سال در تبریز مانده بود بشیراز برگشت و پس از چندی باز بخراسان رجعت کرد و در مشهد ساکن شد و در

آنجا از زندگی و باده گساری توبه کرد اما در پایان زندگی مفلوج شد و پس از چندی در سال ۹۲۲ یا ۹۲۵ در مشهد در گذشت. فغانی در اقسام مختلف شعر دست داشته است. قصاید فراوان در مدح ائمه اثنی عشر و مخصوصاً امام هشتم سروده ولی مهارت او بیشتر در غزلست و غزل را رندانه و عاشقانه و بسیار سوزناک و روان میسروده و وحشی بافقی غزل سرای معروف سبک خود را از روش خاص وی اقتباس کرده است. دیوانش شامل چهار هزار بیتست.

۹۴ - **سلطان محمد فخری هروی** پسر امیر محمد متخلص بامیری نیز از شاعران نامی قرن دهم بوده و پدرش هم از شعرای معروف قرن نهم بشمار میرفته است. بیشتر درهرات میزیسته و مداح کریم الدین خواجه حبیب الله ساوجی وزیر سام میرزا صفوی در حکومت خراسان بوده است که خوندمیر نیز حبیب السیر را بنام او تألیف کرده است و از مشاهیر وزرای زمان شاه اسمعیل و مردی ادب پرور بوده است. در پایان زندگی در زمان شاه طهماسب بحج رفت و در بازگشت از حج عازم هندوستان شد و در سرزمین سند مورد توجه عیسی ترخان از امرای آن سرزمین واقع شد و درین میان جلال الدین محمد اکبر پادشاه معروف هند بساطنت نشست و وی قصیده‌ای در تهنیت او سروده و کتاب جواهر العجایب را در تذکره زنان شاعره بنام وی تألیف کرده است و ظاهر آدره‌مین اوان در گذشته و دیگر اثری از وی نیست. فخری هروی بجز جواهر العجایب دو کتاب دیگر هم تألیف کرده: نخست کتاب مجالس التفاضل علی شیرنویبی را که تذکره شاعران معاصر اوست و در ۸۹۶ بترکی جغتایی تألیف کرده بنام لطایف نامه بفارسی ترجمه کرده و این کتاب را در زمان شاه اسمعیل و هنگامی که پسرش سام میرزا حکمران خراسان و درمش خان شاملو از امرای قزلباش پیشکار او و خواجه کریم الدین حبیب الله ساوجی وزیر خراسان بوده بنام این خواجه ترجمه کرده و در ۹۲۸ از ترجمه آن فارغ شده است. کتاب دیگری که از آثار او باقیست مجموعه‌ایست از غزلیاتی که شاعران باستقبال یکدیگر سروده‌اند و آنرا «تحفة الحبيب» نام نهاده و در ۹۲۹ بیابان رسانیده است. کتاب جواهر العجایب را هم در ۹۶۳ در سال جلوس جلال الدین اکبر بنام «ماه» که ظاهر آهمسرا این پادشاه بوده بیابان رسانیده و ازین قرار

تا ۹۶۳ زنده بوده است. برخی از تذکره نویسان کتاب «بوستان خیال» را که شامل مطلع های غزلیانیست که باستقبال یکدیگر سروده اند بوی نسبت میدهند اما این کتاب از «بکتاش قلی ابدال» است و در ۹۰۱ پیایان رسانیده است. در شعر نیز در مثنوی و غزل دست داشته و دیوان وی شامل چهار هزار بیتست.

۹۵ - عارف ایچی از مردم ایچ یا ایک از توابع دارا بگرد فارس بود و پس از سفرهای بسیار در هندوستان ساکن شده و از غزلسرایان معروف و زبردست قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده است.

۹۶ - قاضی شرف جهان قزوینی از رجال بزرگ دربار شاه طهماسب و از دانشمندان و ادیبان نامی قرن دهم ایران بود. پدرش قاضی جهان نیز از معاریف زمان خود و قاضی قزوین و از خاندان قاضی سیف الدین حسینی قزوینی بود و این خانواده پشت در پشت مدتها قاضی قزوین بوده اند. قاضی جهان پدرش صبح پنجشنبه ۱۲ محرم ۸۸۸ در قزوین ولادت یافت و پس از ۸۲ سال زندگی غروب جمعه ۱۷ ذی الحجه ۹۶۰ شب عید غدیر در زنجان در گذشت و وی دو پسر داشت نخست میرزا شرف جهان و سپس میرزا عبدالباقی که در جوانی در گذشت. میرزا شرف جهان روز چهارشنبه ۲۸ ربیع الثانی ۹۱۲ در قزوین متولد شد و در جوانی کسب دانش کرد و از شاگردان خواجه جلال الدین محمود شیرازی شاگرد علامه جلال الدین دوانی بود و مدتها در سفر و حضر با این دانشمند معروف معاشر بوده و همه دانشمندان معروف آن زمان مانند مولانا ابوالحسن بن احمد باوردی عالم معروف بفضل او گواهی داده اند و در خط و انشاء نیز دست داشته و بر روش خواجه عبدالحی منشی معروف آن زمان چیزی نمی نوشته است. پس از مرگ پدرش در ۹۶۰ قاضی قزوین شد و در آن زمان قزوین پایتخت صفویه بود و به همین جهت وی از رجال دربار صفوی بود و پس از آنکه نه سال درین مقام مهم بود عاقبت در روز یکشنبه ۱۷ ذی القعدة ۹۶۹ هنگام چاشت در ۵۷ سالگی در روستای درس در کوهپایه قزوین در گذشت و جنازه اش را بشهر بردند و در مزار شاهزاده حسین بخاک سپردند. میرزا شرف جهان که شرف نخلص میکرد از شاعران زبردست زمان خود بشمار میرفته

وقصیده و غزل را نیکو میسروده است .

۹۷ - درویش محمد دهکی معروف بدرویش دهکی از مردم محله دهک

قزوین بود و نخست در قزوین جولاهگی میکرد و مدتی نیز خشت می پخت و سرانجام در زمان سلطان حسین بایقرا بهرات رفت و مدتی در دربار اومیزیست و با علیشیر نوایی ، جامی محشور بود و پس از برچیده شدن آن دستگاه مدتها نیز در اوایل قرن دهم زند بوده و از شاعران غزلسرای زبردست زمان خود بشمار میرفته است .

۹۸ - مولانا محمد اهلی شیرازی نیز از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل

قرن دهم بود . در جوانی از شیراز بهرات رفت و چندی در دربار سلطان حسین بایقرا بود و قصیده مصنوعی در مدح علیشیر نوایی سروده که معروفست و پس از برچیده شدن آن دستگاه بآذربایجان نزد سلطان یعقوب آق قویونلو رفت و قصیده مصنوعی دومی در مدح او سروده و مثنوی شمع و پروانه را در ۸۹۴ بنام وی ساخته است و پس از جلوس شاه اسمعیل بدربار وی یدوسته و قصیده مصنوعی سومی بستایش وی گفته و مثنوی سحر حلال را بنا ، وی بیایان رسانیده و در دربار شاه اسمعیل احترام بسیار داشته و بر شاعران دیگر مقدم بوده است و با این همه مردی فقیر مشرب و گوشه نشین بود و پس از مرگ شاه اسمعیل بشیراز باز گشت و در آن شهر منزوی بود تا اینکه در آنجا بسال ۹۳۳ یا ۹۴۲ در گذشت و این تاریخ دوم درست ترست و در کنار مزار حافظ او را بخاک سپردند و مرقد او ، اکنون در آنجا معروفست . اهلی شیرازی در غزل و مثنوی دست داشته و دیوان و قصاید غزلیات وی شامل شش هزار بیت و مثنوی شمع و پروانه او در ۵۰۰ بیت از آثار جالب شاعران قرن دهمست و سحر حلال وی در ۲۵۰ بیت مثنوی مصنوعیست با اشعار پر تصنع و ذوق بحرین و ذوق فیتین .

۹۹ - اهلی ترشیزی نیز از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بود ،

او هم در جوانی مدتی در هرات و در دربار سلطان حسین بایقرا میزیسته ، بهمین جهت برخی او را اهلی هروی و برخی هم اهلی خراسانی دانسته اند . از احوال وی اطلاع درستی نیست جز اینکه گویند مردی عاشق پیشه بود ، چنانکه در خراسان بواسطه دل بستگی بفریدون حسین میرزا شاهزاده نیموری از پا درآمد و مجنون آسا و ژولیده موی میگشت

تا اینکه شاهزاده اورا نزد خود خواند و سرانجام پس از برچیده شدن دستگاہ تیموریان او هم بتبریتز بندر بار سلطان یعقوب رفت و چون در کمانداری زبردست بود کارش بالا گرفت و در آنجا بسال ۹۳۴ در گذشت. اهلی ترشیزی غزل سرای زبردستی بوده و ۳۵۰۰ بیت غزلیات سوزناک و شورانگیز دارد و همیشه اشعار ویرا بر شعر اهلی شیرازی ترجیح داده اند.

۱۰۰ - ارجاسب امیدى رازى از بزرگان شعراى قرن دهم ایران بود و از

شاگردان معروف علامه دوانى بشمار مى رفت و در طهران میزیست اما چون مردى حکیم بود با صوفیه نور بخشی که در آن زمان در شهر رى و اطراف نفوذ بسیار داشتند در افتاد و پیشواى ایشان شاه قوام الدین بن شاه شمس الدین بن شاه قاسم نور بخشی مریدان خود را تحریک کرد ویرا در ۹۲۵ یا ۹۲۹ کشتند و این واقعه بر مخالفان این طریقه بسیار گران آمد چنانکه شاه طهماسب اول چون در جمادى الاخره ۹۴۳ در طهران بود هنگامى که زیارت امامزاده عبدالعظیم مى رفت مردم از شاه قوام الدین و ستمهای فراوانى که کرده بود بوى شکوه بردند و وى فرمان داد گرفتارش کردند و بمجلس وى بردند و قاضى محمد ورامینى که از بزرگان رى بود در آن مجلس با او خطاب کرد و گناهاش را يك يك گفت و لشکر گرد آوردن و قلعه ساختن او را برای جنگ با صفویه فاش کرد و کسانی را که بکشتن آنها فرمان داده بود يك يك نام برد و چون بامیدى شاعر رسید وى منکر شد اما شاه طهماسب باو پر خاش کرد که چرا ویرا کشتى و املا کشر را بردى و اورا بزندان فرستاد و شب که دوباره اورا بمجلس شاه آوردند باز بداد خواهى از کشته شدن امیدى بروخشم راند و دستور داد مشعل افروخته را زیر ریش او نگاهدارند و ریشش را بسوزند. امیدى از شاعران توانای قرن دهم بوده و مخصوصاً در قصیده دست داشته و ساقى نامه‌ای هم سروده و دیوان وى شامل ۱۵۰۰ بیتست.

۱۰۱ - هلا احمد ایوردی از مشاهیر حکما و دانشمندان قرن دهم بود در

جوانى از خراسان بماوراء النهر رفت و در حلقه متصوفه بخارا وارد شد و برداشتن خویش افزود، سپس بعراق آمد و در کاشان اقامت گزید و بتدریس حکمت پرداخت اما چون امیر جمال الدین استرابادى بوزارت نشست بسعایت بدخواهان و طیفه ویرا برید و وى

چیزی نگفت و بقناعت روز کار میگذرانید تا اینکه روزی بازرگانی کيسه زری تزداد و برد و گفت این زر را نذر امام اول کرده بودم و سه شبست که در خواب بمن میگوید چون وظیفه ملا احمد را قطع کرده اند نزد او ببر، اما درین میان امیر جمال الدین استرآبادی وزیر شاه طهماسب بواسطه دشمنی که با او داشت چون دید که قطع وظیفه بر او گران نیامده است و برا بکار زشتی متهم کرد و کس فرستاد او را برای عقوبت بیاورد و وی پیش از آنکه آن مأمور برسد در گذشته بود. ازین قرار وی بعد از سال ۹۳۰ رحلت کرده است. ملا احمد گذشته از آنکه مردی حکیم و دانشمند بوده در شعر نیز دست داشته و از شاعران زبردست زمان خود بشمار میرفته و پسری داشته بنام ابوالحسن ایبوردی که او هم از حکیمان و شاعران معروف این زمان بوده است.

۱۰۲ - ملا ابوالحسن دانشمند ایبوردی چنانکه گذشت پسر ملا احمد سابق -

الذکر و از مشاهیر حکما و شاعران قرن دهم بوده و مخصوصاً در ریاضیات مهارت بسیار داشته چنانکه گویند از زمان قدیم هیچده نکته در علم ریاضی مانده بود که هیچکس نگشوده بود و تنها شش نکته از آنرا خواجه نصیر الدین طوسی حل کرده بود و وی دو آزرده نکته دیگر آنرا گشود و باندازه ای فرجه ننداشت که در ۱۴ سالگی شرح تجرید را که از متون مشکل حکمتست با حواشی آن درس می گفت و در ۲۵ سالگی کتاب مجسطی را درس گفته است و چنان حافظه نیرومند داشت که هر کتاب را یکبار می خواند عبارات آنرا هرگز فراموش نمی کرد و خود گفته است که اگر نسخهای کتابی از میان برود عبارات آنرا چنان از بر بخوانم که خلاقی پدیدار نشود و نیز آورده اند که حافظه او باندازه ای بود که در پایان زندگی که مشغول تصحیح کتابهای رجال و حدیث بود کتاب تهذیب در حدیث را که هفتاد هزار بیتست از آغاز تا انجام بخط خود نوشته بود و همه احادیث و اسناد آنرا بیاد داشت و میتوانست بی آنکه باصل کتاب رجوع بکند بنویسد. با این همه مردی خوش مشرب و عاشق پیشه بود و در کاشان بیشتر در مصاحبت خان میرزا پسر معصوم بیك که از جانب شاه طهماسب حکمرانی کاشان را داشت میزیست و خان میرزا پیش او درس میخواند و سرانجام روز یکشنبه ۲۳ رمضان ۹۶۶ در گذشت و جنازه او را بار دیل

بردند و آنجا بخاک سپردند. ملا ابوالحسن در علوم مختلف دست داشت و در همه رشتها مؤلفات دارد از آنجمله «حل مالاینجل» در حل دوازده مسئله ریاضی که پیش ازین بدان اشاره رفت و کتاب «حسنا» در حکمت طبیعی و «مشارق» و «مرآت الافلاک» در حکمت ریاضی و حاشیه بر شمسیه و بر تهذیب در منطق و رساله اثبات واجب بفارسی و اثبات واجب بعربی و «روضه الجنان» در حکمت و شرح فرائض و در شعر فارسی نیز استاد بوده و غزل را مؤثر و رقت انگیز می سروده است.

۱۰۳- مولانا کمال الدین محتشم کاشانی پسر خواجه میر احمد متوفی در

۹۶۲ از اعیان زادگان کاشان و اصلاً از مردم نراق و یکی از معروفترین شاعران قرن دهم ایران بوده و در زمان خود شهرت بسیار داشته و چون در تشیع معروف بوده پادشاهان صفوی و مخصوصاً شاه طهماسب بوی احترام بسیار می کرده اند و شاعران زمانه نیز او را بسیار محترم میداشته اند و از مشاهیر زمان خود بوده و همواره در کاشان می زیسته است، با این همه از جزئیات احوال او اطلاع کامل در دست نیست و از مدایحی که در دیوان اوست پیداست که مداح شاه اسمعیل و شاه طهماسب و شاه محمد خداپنده و سلطان حمزه میرزا پسر شاه طهماسب و پیری جان خانم دختر وی بوده و در ضمن مدایحی در باره محمد شاه پادشاه دکن و مرتضی نظام شاه بحری پادشاه دکن و جلال الدین محمد اکبر و یوسف عادل شاه پادشاهان هند دارد ولی چون بهندترفته است پیداست که از دور ایشان را مدح کرده و این مدایح را برایشان فرستاده است. پادشاهان صفوی و وظیفه‌ای در باره وی برقرار کرده بودند و بهمین جهت زندگی مجللی داشت و شاعران زمانه همه باو احترام بسیار میکردند و وزیر ملک الشعرا خطاب میکردند و سرانجام در ربیع الاول ۹۹۶ در گذشت و مزار او در کاشان معروفست. محتشم در قصیده و غزل و مرثیه و تاریخ سازی از شاعران زبردست زمان خود بوده و درین انواع مختلف اشعار بسیار دارد که از دوازده هزار بیشترست، مخصوصاً در مدایح ائمه سخنان بسیار دارد و ماده تاریخ او در زمان وی بسیار پسندیده بوده است و دوازده بندی که در مرثیه شهیدان کربلا سروده معروفترین اشعار درین زمینه است و درین فن او را بر همه ترجیح داده اند. وی در شاعری شاگرد

مولانا صدقی استرآبادی بوده اما از استاد خویش بسیار پیشتر رفته است. آثار وی را پس از مرگش پنا بروصیت اوتقی الدین محمد حسینی کاشانی که از شاگردانش بوده تدوین کرده و مقدمه‌های بر آن نوشته و مجموعه آثار وی را در پنج کتاب شعر و دو کتاب نظم و نثر گرد آورده است بدین گونه: شبیه شامل اشعار پیری، شبیه شامل اشعار جوانی، صبائیه شامل اشعار کودکی، جلالیه نظم و نثر، نقل عشاق نظم و نثر، ضروریات شامل ماده تاریخها، معنیات، جلالیه و نقل عشاق دو کتاب است که در شوریدگی درباره دو تن از معشوقان خود پرداخته و شامل نثر شاعرانه پر کنایت و استعارت و غزلیات است که درباره آن دو تن سروده است. وی با شاعران عصر خویش مانند حیرتی و تاجری و میرحالی کیلانی و مونا مجاهد الدین خوانساری و امیر شمس الدین محمد کرمانی از سادات صدور زمانه و میرزا سلمان جابری اصفهانی از اعیان دولت صفویه و مولانا فصیح سلمانی و ضمیری اصفهانی و میر معز الدین محمد خوشنویس و عشقی کاشانی و حامدی و میر حیدر حسین معمایی و نعمتی و ملاحسینی و حیرتی روابط نزدیک داشته و با آنها مشاعره کرده است و از آن جمله مولانا مظفر الدین حسرتی از شاگردان او بوده که نزدیک ده سال مصاحب او و بهترین شاگردش بوده است و پس از مرگ وی عدّه کثیر از شاعران ایران و مخصوصاً عراق و اصفهان و بر امرتیت گفته‌اند.

۱۰۴ - **زین العابدین علی** اصلاً از مردم شیراز بوده و در جوانی بنیشابور رفته و در آنجا ساکن شده و بهمین جهت هم بشیرازی و هم بنیشابوری معروف شده است و نخست نویدی و سپس عیدی تخلص کرده است. از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه در ۹۸۸ در گذشته و شاعر بسیار پرکاری بوده و آثار بسیار از او مانده از آن جمله مثنوی بوستان جنان که در ۲ ربیع الاول ۹۶۱ بیابان رسانیده و سیمه‌ای نیز دارد بنام خزاین ملکوت که در شعبان ۹۶۸ بیابان رسانده و شامل هفت منظومه است: صحیفه لاریب، لوح مسطور، بحر مسجود، منشور شاهی، مروج الاوراق، مهیج الاشواق، نهایت الاعجاز.

۱۰۵ - **بدرالدین بن عبدالسلام بن ابراهیم حسین کشمیری** از شاعران